هفته‌نامه
شماره ۴
چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت ۵۸
زیر نظر شورای نویسندگان امت
بها ۱۰ ریال

# امت

وکذلک جعلناکم امة وسطا لتکونوا شهداء علی الناس ویکون الرسول علیکم شهیدا

در این شماره:
جنبش تنباکو (۱)
اخبار هفته
هنر و ادبیات
مقالات

## سرمقاله

### در برابر مسئولیتها و مسائل انقلاب آگاهانه، صادقانه و قاطع برخورد کنیم

استاد مطهری شهید گشت و ملت یکپارچه در سوگش به عزا نشست. هیچکس حتی خرده‌گیران نمی‌توانستند از شهادت وی متأسف ومتأثر نباشند. هیچ شخصیت انسانی جز معصومان خالی از ضعف نیست. مجموعه اعمال و آثار وجودی هر فرد مبنای تعیین ارزش و قضاوت درباره اوست. خوب و بد مطلق در اینجا معنا ندارد. سهمی که وی در نهضت فرهنگی اسلامی و در باز شناساندن اسلام راستین و تبیین علمی و فلسفی بسیاری مسایل پیچیده انسانی و اسلامی داشت برکسی پوشیده نیست ـ با احاطه وسیع بر معارف اسلامی و قرآن و دستی گشاده در فلسفه و بیان و قلمی تحلیل‌گر، براحتی پاسخگوی بسیاری مسائل مذهبی و فلسفی نسل جوان بود.

اکنون وقت آن نیست که ابعاد مختلف شخصیت و نقاط ضعف و قوت کارها و آثار و شخصیت فکری و سیاسی وی بررسی و بازشناسانده شود. اما وقت آنست که علل و موجبات بروز این حادثه تأسف‌آور و آثار متعاقب آنرا بررسی کنیم و از این فرصت که بمثابه زنگ خطری بازگوکننده نگرانیهای بسیاری است برای طرح و برخورد صریح و بی‌پرده با مسائل اساسی انقلاب سودجوئیم.

هر فرد یا گروهی که مطهری را به گلوله بست، صرفنظر از هرانگیزه‌ای که داشت، یا مستقیما" عامل ضد انقلاب بود و یا زیرنفوذ و در خدمت آن عوامل قرار داشت. زیرا از بروز اختلاف و درگیری و نزاع بین افراد و گروهها بیش از هر کس دشمن سود می‌برد. حادثه‌ای از این نوع در شرایط فعلی چندان دور از انتظار نبود و نیست.

شاید در آینده هم با نظایر آن روبرو شویم، ممکن است نتوانیم از وقوع یک حادثه جلوگیری کنیم، و یا ضایعات حاصله از آنرا بلافاصله جبران نمائیم، و نیز تعیین سهم و مسئولیت ما نیز در امکان دادن به وقوع حادثه، کار آسانی نیست و شاید چندان سودی بر آن مترتب نباشد، اما حق داریم درباره نوع عکس‌العمل خود در برابر آن حساس بوده، بخواهیم که با هشیاری و آگاهی، با احساس مسئولیت و صادقانه و صریح با آن برخورد شود ـ جز این باشد، اثر ضربه‌ای که وارد آمده است با ندانم‌کاری یا برخورد غلط ما، دو چندان می‌شود و مشابه آن در ابعاد گسترده‌تر و با ضایعات بیشتر، اتفاق می‌افتد.

واقعه ترور استاد مطهری را نمی‌توان از مسایل حاد و فوری انقلاب جدا کرد و بهمین دلیل طبیعی است که بازتاب آن را در نحوهٔ طرح آن مسایل جستجو کنیم. درحال‌حاضر انقلاب ما با چند مسئلهٔ اساسی روبرو است که هر یک به دیگری وابسته و از آن متأثر است.

اول، طرحها و توطئه‌های ضد انقلاب، یعنی دشمن اصلی که منافع و پایگاههای عظیم خود را در خطر از دست‌رفتن کامل می‌بیند.

مزدوران و عوامل آمریکا و سایر قدرتهای استعماری و سرمایه ـ داری جهان‌خوار و توسعه‌طلب و مزدوران رژیم سابق، ماموران ساواک و عناصر و گروههای وابسته بدانها. جزو این عوامل‌اند ـ آنان در دو مسیر به توطئه و دشمنی با انقلاب مشغولند:

یکی با تضعیف قدرت سیاسی انقلاب از طریق، برافروختن آتش نفاق و تفرقه و نزاع و درگیری بین اقشار مختلف مردم، با استفاده از هر انگیزه‌ای که مناسب ببینند ـ تحریک اختلافات و تفاوتهای مذهبی، قومی و مسلکی، ایجاد سوءظن و بدبینی، رواج دادن شایعات بی‌اساس و تشویق ترور و برخوردهای خشونت آمیز و سرانجام تبلیغات گسترده علیه انقلاب در سطح جهانی.

دومی تضعیف قدرت اقتصادی با تحریک غیرمستقیم به اعتصاب و کم‌کاری با جلوگیری از کار مجدد موسسات تولیدی، با تعطیل فعالیت کارخانجات و وقفه در کار تولید به دست کارفرماها و صاحبان وابستهٔ موسسات تولید. بمنظور تشدید بحران و بیکاری و اقتصادی.

دشمن از اغتشاش و آشفتگی‌هائی که در اثر اجرای این برنامه‌ها

بقیه در صفحه ۲

## گود نشینان جنوب تهران و چگونگی برگزاری نخستین انتخابات شورای گودها

همزمان با شرکت شهروندان مبارز و متعهد تهرانی در برنامه پاکسازی روز جمعه ۲۴ فروردین ۵۸ در مناطق جنوبی تهران بدعوت شهردار و فراخوان آیت‌الله طالقانی، عده‌ای از خواهران و برادران ما نیز در این امر انقلابی و اسلامی شرکت جستند.

در حدود ساعت ۲ بعدازظهر آقای مهندس توسلی شهردار که پس از شرکت در اجتماعی از گودنشینان، از خیابان عار، محل انجام وظیفه خواهران و برادران میگذشتند، با مشاهده کوشش شرکت‌کنندگان در امر پاکسازی توقف و دقایقی چند با آنان به گفت و شنود پرداختند.

در این گفت و شنود خواهران و برادران پس از شمارش نابسامانیها و گرفتاریهای ساکنان گود، آمادگی خود را در خدمت به این تودهٔ مستضعف اعلام داشتند.

شهردار آنچنان که انتظار میرفت، دست‌های درازشده جهت همکاری را بگرمی فشرده و از خواهران و برادران خواست تا درارتباط با آقای صمدیان مسئول ناحیه ۵ شهرداری به ایجاد شوراهای ساکنان گود این منطقه بپردازند.

در فردای آنروز با آقای صمدیان تماس حاصل گردید و ایشان جهت شروع عملیات آقای مهندس اقبال را به خواهران و برادران معرفی نمودند.

با همکاری آقای اقبال خواهران و برادران با اعتقاد به اصل قرآنی "شورا" و الهام از رهنمودهای امام خمینی دائر بر شرکت و بسیج فعالانه توده‌ها در امر بازسازی کشور و همچنین نظارت بر امور جاری میهن و زندگی روزمرهٔ خود، بعنوان اولین گام در یاری‌رساندن به ساکنان گود، مسئله تشکیل شوراهای محلی و درنتیجه انتخابات نمایندگان را مطرح و پس از توافق در پیاده‌نمودن این طرح به اقدامات زیر دست یازیدند:

۱ ـ خواهران و برادران جهت شناسائی دقیق گودها به گروههائی

بقیه در صفحه ۶

## پیرامون قطع رابطه دولت ایران و مصر

حامد

با صدور پیام امام که "با درنظر گرفتن پیمان خائنانه مصر و اسرائیل و اطاعت بی‌چون و چرای دولت مصر از امریکا و صهیونیسم، دولت موقت جمهوری اسلامی ایران قطع روابط دیپلماتیک خود را با دولت مصر بنماید." روابط دولت ایران با مصر قطع گردید. درروند روابط دولت مصر با امریکا و اطاعتش از طرحهای امپریالیستی ـ صهیونیستی و مجموعه عللی که به خیانت آشکار وهرچه بیشتر سادات پس از امضاء قرارداد ننگین "کمپ‌دیوید" و ادامه‌اش تا به امروز، لازم است تا اوضاع خاورمیانه و سیاست امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا را در این منطقه بطور مختصر بررسی کنیم.

سیاست امپریالیسم امریکا بعد از جنگ ۱۹۷۳ در منطقه خاورمیانه، با طرح سیاست "گام به گام" از جانب صهیونیست برجسته "کیسنجر" جهت تازه‌ای یافت. هدف برجسته از طرح سیاست "گام به گام" به سازش کشاندن کشورهای چون مصر و سوریه و... با دولت غاصب اسرائیل بود، و از این راه بسط و گسترش هرچه بیشتر قدرت امپریالیسم امریکا در منطقه و به‌غارت بردن منابع طبیعی و گسترش استثمار سرمایه‌داری جهانخوار. "کسینجر" طرح سیاست "گام به گام" در "کلوپ ملی مطبوعات" اوضاع خاورمیانه و سیاست امریکا را عنوان

بقیه در صفحه ۵

## مباحث ایدئولوژیک
### ـ واژه‌های قرآنی ـ

دکتر حبیب‌اله پیمان

قرآن منبع اصلی و پایه و اساس مکتب فکری (جهان بینی و ایدئولوژی) ماست. تعالیم قرآن، قانون اساسی نظام توحیدی و سرچشمه معرفت و هادی و رهگشای ما در حیات فردی و اجتماعی است. آشنایی و بهره‌برداری از قرآن وظیفه قطعی هر متفکر و مبارز مسلمان است. پیام قرآن برای مردم است و قرآن حاوی همه آموزشها و معرفت‌های اساسی است که هر انسانی در زندگی فردی و اجتماعی بدان نیازمند است و به همین دلیل خداوند آنرا آسان برای پندگیری و راهنمایی خلق نازل فرمود "ولقد یسرنا القرآن للذکر فمن من مذکر" قرآن را برای آموزش آسان کرده‌ایم از این رو آموختن و استفاده درست از آن برای همه افراد امری ضروری است ـ پس آیا یادآورنده‌ای هست؟ از میان شیوه‌های مختلف شناخت و استفاده از قرآن، آگاهی بر لغات و ریشه‌ها و معانی اصطلاحات قرآنی اهمیت خاصی دارد. لذا از این شماره ببعد در حد توانایی خود به معرفی و تشریح معانی واژه‌های عمده قرآن می‌پردازیم. استفاده و راهنمایی دوستان و صاحب‌نظران را بگرمی پذیرا هستیم.

### "امت"

از ریشهٔ "ام" به معنای قصد کردن است و امت جماعتی از انسانهاست که در این قصد و هدف مشترک هستند. از این کلمه، مفاهیم نزدیک و وابسته بیکدیگری چون، پیشرو، حرکت به جلو، پیشوائی و قیادت، راه و طریق و روش، وحدت و اشتراک راه و اشتراک هدف ـ جماعت، همراه، اخذ میگردد.

در قرآن در بیش از شصت مورد این کلمه بطور مفرد یا جمع بکار رفته است.

پیوند مشترک بین افرادی که تشکیل امت می‌دهند، جنبه فکری و هدفی دارد، عوامل دیگری چون نژاد، خون، رنگ و زبان و حتی سرزمین درنظر گرفته نشده‌اند. اگرچه هر جماعتی که دارای پیوند مشترکی هستند خواه ناخواه زبان مشترک نیز دارند و یا غالبا" دریک سرزمین بسر می‌برند.

قرآن بهر نوع اجتماع انسانی امت نمی‌گوید ـ وجه تمایز مفهوم

بقیه در صفحه ۴

## سندی دربارهٔ: مجاهد شهید فاطمه امینی

بسمه تعالی

در تاریخ ۵۴/۵/۲۵ اکیپ شماره ۲۲ کمیته مشترک جهت دستگیری "فاطمه امینی" زن مجاهدی که بر علیه رژیم به نبرد مسلحانه پیوسته بود اعزام گردید و در ساعت ۱۸/۰۰ مجاهد را همراه با نارنجک و کپسول سیانور و اعلامیه‌هائیکه در بارهٔ ترور تیسمار زندی‌پور بود دستگیر کردند و به پایگاه دژخیم‌پرور و مجاهدکش اوین بردند، یک فاجعه در دخمه‌های خون گرفتهٔ اوین در این لحظهٔ زمان به‌ثبت رسیده است "فاطمه" را به قتلگاه اوین میبرند.

و دژخیمان پلیدی چون یداله شادمانی (اسفندیاری) وازعتدی و ایرم و خدایاری به گردش چون افعی چمبر می‌زنند و در آغاز او را

بقیه در صفحه ۷

**با پشتیبانی از دادگاههای انقلابی، پیروزی انقلاب را تضمین کنیم**

## سرمقاله

بقیه از صفحه ۱

بوجود می‌آید برای وارد کردن ضربات مستقیم استفاده می‌کند تا روحیه انقلابیون و توده‌های مبارز ما را ضعیف سازد و زمینه را برای پیشبرد مقاصد خویش و یورشهای گسترده‌تر آماده سازد.

دیگری غیر مستقیم، با نفوذ دادن عوامل خود به صفوف انقلابیون با تقویت مواضع عناصر و گروههای مرتجع، با حمایت از روابط و نظامات پیشین و ایجاد مانع در راه انجام تغییرات انقلابی در سازمانهای اداری، نظامی و مؤسسات اقتصادی ـ با جلوگیری از تصفیه این سازمانها از عناصر نامطلوب و وابسته به دشمن ـ با تقویت موضع سرمایه‌داران وابسته، دزدان بیت‌المال و غارتگران منابع کشور و ممانعت از خلع ید آنان از سرنوشت اقتصادی کشور.

دوم ـ مقاومتی که از جانب نیروها و عناصر وابسته به نظام اجتماعی و اقتصادی گذشته در راه پیشرفت انقلاب بعمل می‌آید ـ این گروه کسانی هستند که در نظام پیشین، صاحب قدرتهای سیاسی و تصمیم‌گیری و مالک موسسات اقتصادی و تولیدی و مسلط بر ثروت کشور و نیروهای مولد جامعه بودند ـ

این افراد سعی می‌کنند با تظاهر به طرفداری از انقلاب یا با استفاده از روابطی که با انقلابیون دارند یا هروسیلهٔ دیگری امتیازات گذشته را حفظ کنند، پستها را در اشغال خود نگاهدارند ـ در مراکز تصمیم‌گیری نفوذ کنند و مؤسسات تولیدی و منابع ثروت را در ملکیت خویش نگاهدارند و همانند گذشته به استثمار خلق و غارت بیت‌المال ادامه‌دهند این گروه در کار پیشرفت انقلاب موذیانه کارشکنی میکنند ـ پول‌ها را بهر شیوهٔ ممکن خارج می‌سازند ـ مواد اولیه برای ادامه کار کارخانجات سفارش نمی‌دهند افراد و قشرهای وابسته به این گروهها که موجودیت سیاسی و منافع اقتصادی و نفوذ اجتماعی آنها وابسته به حفظ مناسبات و نظامات سابق است. کسانی که دانش و معلومات، هنر و فن، قلم و زبان و ایمان و مذهب خود را در طبق اخلاص تقدیم صاحبان قدرت و ثروت می‌کردند و در ازاء آن از مزایای اجتماعی ـ سیاسی و اقتصادی قانونی!! اش بهره‌مند بودند ـ اکنون نگران از دست‌رفتن موقعیت‌ها هستند. و لذا از هرفرصتی برای تضعیف انقلاب استفاده‌می‌کنند ـ "طرفداران قانون اساسی"! و سیاهی لشگر تظاهرات ضد انقلابی و غالبا "از این گروهها هستند ـ درعین حال که با تمام کید و زیرکی که دارند موقعیت خود را تدریجا "تثبیت می‌کنند از غر و لند زدن هم دست‌بردار نیستند.

کسانی‌هم که در گذشته ازفعالیتها و معاملات نامشروع، از راه اجحاف و تعدی، حقه‌بازی و دزدی، ثروت اندوختند و هر کدام ظرف مدت کوتاهی میلیونها ثروت ـ مستغلات، املاک و اراضی جمع آوری کردند و دفتر و تجارتخانه و مقاطعه‌کاری و نظایر آن براه انداختند و پول در بانکهای خارج ذخیره و خانه و ملک در اروپا و آمریکا خریداری کردند و خانه‌ها و کاخهای افسانه‌ای در شمال‌شهر و گوشه و کنارمملکت ساختند، از دشمنان انقلاب‌اند و اکنون غالبا "لباس تزویر پوشیده در اندیشه حفظ و منافع خویش‌اند و جلوگیری از انجام تغییرات انقلابی و نفوذ در دم و دستگاه انقلاب و برقراری رابطه و دوستی و بدست آوردن پایگاه.

مبلغین اسلام وارونه، ایمان فروخته‌ها و همه کسانی که درلباس روحانیت و در کسوت فقاهت، خیانت شاهان و جنایت صاحبان زر و زور را توجیه شرعی! می‌کردند و به مردم تریاک و داروی مخدر به‌اسم تعلیمات مذهبی می‌خوراندند و مسجد و منبر را پایگاه دفاع از قدرت و نظام حاکم و جمع‌آوری مال و منال و استثمار خلق و لباس مقدس روحانی را سرپوش فسادکاریها قرار می‌دادند در همین دسته قرار می‌گیرند آنان هم‌از هر تغییرانقلابی‌بیمناک و از پیروزی‌اسلام راستین نگران و خائف از خیانتهای خویش به ملت و مذهب ـ دم از انقلاب و اسلام می‌زنند و باز هم دوآتشه خود را مدافع دین و مذهب و انقلاب نشان می‌دهند. تا دگربار موقعیت ناروای گذشته را تجدید و تثبیت کنند.

این گروهها همه در جبهه ارتجاع جای دارند.

سوم ـ نفاق‌افکنی‌ها وسمپاشی‌ها و اخلال‌گریهای‌افراد وگروههای فرصت‌طلب ـ که خود به دوبخش تقسیم می‌شوند:

بخشی، افراد و قشرهای مرفه‌الحال و آسوده‌خیال و بیشتر (تکنوکرات و بوروکرات) و شمال شهرنشین‌اند که در دوران گذشته بی آنکه کار مثبت و خلاقی انجام دهند ـ درآمدهای کلان داشتند و رژیم منفور پهلوی قسمتی از پول‌نفت را برای‌جلب رضایت وطرفداری آنان به جیب‌های گشادشان سرازیر می‌کرد و همه‌گونه لوازم و اسباب خوشگذرانی، لذت‌جوئی، تفریحات سالم و ناسالم، گشت وگذار و قمار و رقص و بی‌بندوباری برایشان فراهم‌می‌ساخت ـ کاباره‌ها، باشگاههای شبانه، قمارخانه‌ها، مجالس رقص و شب‌نشینی‌های افسانه‌ای، مراکز تفریحی سواحل دریا و درشهرهای اروپا و آمریکا، و هتلهای لوکس و باسکوه، شب و روز از افراد پیر و جوان و خودسر این گروه مملو بود ـ شغلهای اداری پر درآمد، حقوقهای گزاف و مزایای فوق‌العاده و استثنائی و مأموریتهای خاص و وامهای رفاهی مختص ایشان ـ فرزندانشان بی‌آنکه حتی‌یکبار در عمر طعم‌محرومیت، گرسنگی، حقارت، ناکامی، کتک، توهین و فحش خوردن را بچشند درون اطاقهای مجلل و رختخوابهای تمیز، لباسهای خیره‌کننده و باغهای‌زیبا و اتومبیلهای آخرین‌سیستم و مجالس مهمانی و رقص و آواز بزرگ‌شدند و لذیذترین غذاها خوردند و نوشیدند و هنوز پشت لبانشان سبز نشده بود که بوی‌فرند و گرل فرندهای رنگارنگ و جفت و طاق در کنار دیدند و ... اکنون در افق زندگی کثیف حیوانی و بی‌بند و بار خویش طلوع آفتاب انقلاب را می‌بینند که زندگی و فرهنگ تازه‌ای را نوید می‌دهد که با مزاجشان سازگار نیست ـ تغییرات اجتماعی و اقتصادی‌وفرهنگی که از انقلاب اسلامی ایران انتظار می‌رود هیچکدام به نفع آنها نیست ناچار لباس روشنفکری و آزادیخواهی به تن کرده‌اند و فرصت‌طلبانه‌از هر موقعیتی برای تضعیف انقلاب و شکست دادن آن سود می‌جویند و از چپ و راست آنرا بباد انتقاد گرفته لحظه‌ای از غرولند و دلسوزی و گریه برای خلق و آزادی و دموکراسی دست نمی‌کشند، در حقیقت گریه و افسوس آنها برای زندگی پر لذت فسادآلودی است که‌نگران از دست‌دادن آن هستند ـ پایگاه اجتماعی ضد انقلاب، سرمایه‌داران وابسته و همچنین منبع نیروی انسانی و سیاهی لشگر بخش دوم فرصت طلبان ـ همین افرادند.

بخش دیگر، مارکسیست‌ها هستند ـ قبلا "ریشه‌های فرصت طلبی مارکسیست‌ها را معرفی کرده‌ایم ـ

کسانی که بهر عنوان در پوشش طرفداری از مواضع مارکسیستی فعالیت دارند از یک نقطه نظر به سه گروه کلی قابل تقسیم‌اند، بخشی متظاهرین‌به مارکسیسم‌اند که در بالا ذکرشان رفت یعنی بورژوازاده‌ها و فرزندان قشرهای رو ببالا و مرفه و بسیاری از تکنوکراتها و خوش ـ گذرانها و الکی‌خوش‌ها. و کسانی که طرفدار بی‌بند و باری اخلاقی و فسادکاری، خوشگذرانی‌اند و برای اینکار یک توجیه روشنفکرانه‌وعلمی! می‌جویند ـ و لذا مارکسیسم و اندیشه‌های ضد مذهبی را دست آویز قرار می‌دهند.

بخشی‌مارکسیستهای‌قدرت‌طلب‌اند ـ کسانی که آگاهانه فرصت ـ طلبی می‌کنند برای تضعیف‌انقلاب و زمینه‌سازی جهت کسب قدرت‌در سنگر تجزیه و تحلیهای مارکسیستی از انقلاب ایران، موضع گرفته‌اندو به کمک همین قالب‌های خشک و نارسا، بخشی بزرگتر را که مجذوب‌آن اندیشه‌ها هستند ـ به دنبال می‌کشند ـ پیروزی انقلاب ایران بزعم آنان فرصت تاریخی دیگری را از چنگ آنها خارج می‌سازد، و چون پایگاه‌اجتماعی و توده‌ای ندارند ـ از هر فرصتی و از راه دامن زدن‌به آتش اختلافات قومی و مذهبی و زیر پوشش شعارهای دفاع ازمنافع خلق‌ها و کارگران ـ سعی در جلب توده‌ها و ایجاد پایگاه دارند ـ نفس تلاش در جلب‌توده و کسب پایگاه گناه نیست ـ اگر مارکسیست‌ها تنها از راه طرح نظریات خود و نقد منطقی شرایط حاضر به‌جلب‌مردم بپردازند جای ایرادی بر آنها نیست. اما وقتی‌بسیاری از آنهاروشهای غیر منطقی و با استفاده از جعل و شایعه‌پراکنی و تحریک و اغوا و دروغ و تکیه روی مواضعی که صریحا "بر ضدمصالح‌انقلاب خلق‌است، می‌خواهند مردم را بسوی خود جلب کنند ـ وقتی نفاق‌افکنی و کار ـ شکنی آنها در عمل سبب تضعیف جبهه انقلاب و تقویت موضع امپریالیسم می‌شود، مسئله شکل دیگری پیدا می‌کند ـ و ما را به یاد روشهائی می‌اندازد که در گذشته نتایج شومی برای ملت و برای خود آنان ببار آورد ـ سیاستهای حزب توده در برابر نهضت ملی ایران را هیچیک از گروههای مارکسیستی تأئید نمی‌کنند ـ اما بسیاری ازآنان امروز همان سیاست را در ابعاد وسیعتری پیش گرفته‌اند ـ چه کسی تردید دارد که سیاست حزب‌توده در برابر دکتر مصدق یک عامل‌مهم ومساعدکننده در شکست‌نهضت و سقوط مصدق‌بود؟ آیا مارکسیستهائی که همان سیاست را دنبال می‌کنند می‌خواهند زمینه‌ساز سلطهٔ مجدد امپریالیسم باشند؟ آیا تجربیات تلخ تاریخی به اندازه کافی هشدار ـ دهنده نیست؟

همه این عوامل عملا" در صد بسیار کوچکی از نیروهای خلقی‌را در اختیار دارند و رفراندوم این حقیت را ثابت کرد.

مارکسیست‌ها همانند گروههای دیگر مستقیما "نفعی در بازگشت رژیم گذشته ندارند و نمی‌توانند منطقا "با توطئه‌های امپریالیستی و سرمایه‌داران و مرتجعان موافق باشند.

مارکسیسم نمی‌تواند با پیروزی‌یک انقلاب اسلامی موافق باشد زیرا علت وجودی خود را از دست می‌دهد. مارکسیست‌ها مدعی‌اند که بهتر و مترقی‌تر از اسلام‌مسایل اجتماعی را حل‌می‌کنند وقاطع‌تر در برابر امپریالیسم و ارتجاع و سرمایه‌داران می‌ایستند و اسلام قادر نیست انقلاب را به ثمر برساند و برای اثبات ادعای خود بر واقعیت و دروغ هر دو تکیه می‌کنند و از هر وسیله‌ای مشروع و نامشروع‌استفاده می‌کنند.

بخش عمده مارکسیست‌ها را می‌توان از مارکسیسم جدا کرد ـ چگونه؟ با اثبات عینی این حقیقت که علیرغم ادعای مارکسیسم، اسلام و انقلاب اسلامی چنانکه در گذشته هم ثابت کرده است، بهتر و پیشروتر از مارکسیسم با دشمنان‌مردم‌مبارزه کرده و در این راه موفق بوده است. با این کار مارکسیسم کمترین زمینه‌ای برای رشد پیدا نمی‌کند و بخش عمده مارکسیست‌ها در عمل جذب انقلاب می‌شوند و در خدمت آن در می‌آیند ـ پس زمینه رشد آنها یکی ضعف انقلاب‌در حل مسایل اساسی و دیگری عدم قاطعیت در افشای روشهای نفاق ـ افکنانه و غیر منطقی کسانی است که برای کسب قدرت فرصت‌طلبی می‌کنند.

این اقدامات در برابر قدرت عظیم خلق منطقا "نباید موجب نگرانی عمیق شود.

تا آنجا که مسایل اساسی را نادیده گرفته، حادثه‌ای را که بر طبق شواهد و قرائن موجود و ارائه شده ریشه و عوامل دیگری دارد، مستمسک حمله به این گروه قرار دهیم و بدون استناد به مدارک و دلایل معتبر آنها را متهم به شرکت در ترور استاد مطهری سازیم.

تجربیات تاریخی نشان داده‌اند که این نحو برخورد بامخالفان نه فقط مشکلی را حل نمی‌کند که حقایق را لوث و با بخشیدن وجهه مظلومیت به طرف مقابل، آنرا در موقعیت بهتری قرار می‌دهد. مردم بیدار و آگاه ما انتظار برخورد اصولی، صادقانه وقاطع با مسایل را از جانب مرکزیت انقلاب دارند. اینگونه پرخاشجوئیها شایسته جبهه‌ای نیست که اعتماد ملت و حمایت رهبر انقلاب را پشت سر دارد و مدافع اصول انسانی و مترقی اسلام‌است.

با همه قدرت کمی و کیفی که در اختیار انقلاب است ترس ما وقتی منطقی است که از تشخیص درست نابسامانیها و مسئولیتها عاجز مانده در کاربرد درست قدرت انقلاب برای حل آنها ناتوان باشیم ـ وقتی منطقی است که نیروی عظیم خلق مسلمان و جبهه انقلاب از انسجام لازم برخوردار نباشد و در حل مسایل خود عاجز بماند.

چهارم ـ ضعف و فقدانی که در جبهه انقلاب‌در برخوردبامسایل عمدهٔ‌مشهود است ـ در این رابطه دو مسئله باید روشن شود یکی مسایل ومشکلات‌اساسی که در راه پیشرفت و تکامل انقلاب قرار دارند. و راه و چگونگی غلبه بر آنها، دیگری نحوهٔ سازماندهی قدرت‌تصمیم ـ گیری و اجرائی انقلاب.

اما پیش از طرح این دو مسأله در رابطه با سه مشکل فوق‌الذکر یک حقیقت مسلم وجود دارد همه چیز به توانائی ما در انجام‌دو هدف‌وابسته است. اول ادامه سرکوبی و انهدام کامل ضد انقلاب ـ گروه اول، دوم انهدام ریشه‌های اجتماعی ـ اقتصادی و زمینه‌های فرهنگی رشد مشکلات و عوامل فوق‌الذکر.

باید به شدت از این انحراف پرهیز کنیم که مبارزه با عوامل به مبارزه با معلولها تبدیل نشود. اینجاست که به بعضی رهبران و افراد مسئول، هشدار می‌دهیم و اعلام خطر می‌کنیم.

اگر انقلاب سیاست اصیل مبارزه بنیادی با ریشه‌های‌نابسامانیها و زمینه‌های اجتماعی ـ اقتصادی و فرهنگی رشد ضد انقلاب و کجروی و فرصت‌طلبی و انحراف را کنار بگذارد و بجای آن با معلولها درگیر شود، خواه ناخواه براهی می‌افتد که سرانجام آن، شکست و نتایج آن شوم و مصیبت‌بار است.

فراموش نکنیم که شیوه حکومتهای طاغوتی و استعماری چنین‌بود که چون از حل اساسی مسائل مردم عاجز بودند، عواملی را بهانه‌قرار می‌دادند ـ عللی را که فرعی بود عمده می‌کردند و می‌کوشیدند اذهان مردم از ریشه و علل اصلی‌منحرف و به‌معلولها و عوامل‌جانبی متوجه شود. نیروی مردم را در جهت مبارزه با مشکلات اجتماعی و اقتصادی موجود بسیج کنیم و اجازه ندهیم درگیر نزاعهای مسلکی و حزبی پایان ناپذیری شوند که در نتیجه آن قدرت آنها تحلیل رود و دشمن بر ما چیره گردد.

از افتادن در دام خطرناکی که دشمن برای ما گسترده و عوامل ناآگاه و یا فرصت‌طلب ما را تشویق و ترغیب بدان می‌کنند به شدت پرهیز کنیم ـ نیروی انقلابی و توفنده خلق را در مسیر انحصار ـ طلبی‌های فردی و گروهی یا حزبی نیندازیم ـ مسئولیت تاریخی که اسلام و انقلاب اسلامی بر دوش ما گذاشته است آنقدر سنگین وپر اهمیت است که جا دارد همه چیز را فدای پیشبرد آن کنیم.

مقابله ما با دشمن مستلزم انجام دو وظیفه و کار اساسی است:

اول ـ تغییر مناسبات و شرایطی که ضد انقلاب می‌تواند در آن موجودیت خود را حفظ کند و انقلاب را ضعیف و ازمسیر اصلی منحرف و به شکست بکشاند.

دوم ـ دادن آگاهی وسیع به مردم و ادامه انقلاب فرهنگی‌یعنی مبارزه قاطع با جهل و خصلت‌های غیر توحیدی و انگیزه‌های ضد انقلابی و ضد اجتماعی.

بقیه در صفحه ۷

# تابرقراری جامعه‌بی‌طبقه‌توحیدی نهضت ادامه دارد

چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت ۵۸ سال اول شماره ۴ اُمت

سه‌شنبه ۲۵ اردیبهشت مصادف است با لغو امتیاز تنباکو. بدین مناسبت تحلیل کوتاهی داریم از:

# جنبش ضد استعماری تنباکو

ریشه‌های جنبش

خیانت‌های "سلسلهٔ قاجار" در حق ملت ما بر همه آشکار است. ناصرالدین شاه با امضاء قرارداد ننگین رویتر خیانت این سلسله را اوج تازه‌ای بخشید و در حقیقت سند مالکیت ایران را تقدیم انگلیس کرد. ایران را صحنهٔ رقابت دو ابرقدرت روس و انگلیس قرار داد. دولت قاجار، درجهت اجرای سیاست بیگانگان، و برای برقراری موازنه بین قدرتهای شمال و جنوب، و رهایی از تهدید آنها، مهرهٔ بی‌اختیاری بود که پی‌درپی امتیاز می‌داد.

در پی نفوذ بیشتر سلطه‌گران بیگانه در کشور ما، توده‌های تحت ستم بیش از پیش به بند کشیده شده و بیش از هر زمان دیگر با فشارهای اقتصادی ـ اجتماعی مواجه می‌شوند. استبداد داخلی، فشارهای اقتصادی ـ اجتماعی و نفی حاکمیت مردم در تعیین سرنوشت خویش، زمینه‌های مساعد را برای یک حرکت انقلابی آماده می‌سازند.

حکومت خودکامه برای ادامهٔ خیانت ننگین خود، به کمک روسیه تزاری، قوای قزاق را در سال ۱۲۹۶ هجری قمری تشکیل می‌دهد. بدین ترتیب امتیاز عمدهٔ دیگری به دولت تزاری می‌دهد و ضمنا "آمادگی پیدا می‌کند که هرگونه حرکت مردمی را در نطفه خفه کند. در مقابل این امتیاز که دولت روس بدست می‌آورد، دولت انگلیس، قرارداد استعماری تنباکو را، در جهت هر چه بیشتر مستعمره کردن ایران، بر تودهٔ مستضعف ما، تحمیل می‌کند.

**قرارداد تنباکو:**

ناصرالدین شاه در سومین سفرش به انگلیس در روز پنج شنبه ۲۰ مارس ۱۸۹۰ (برابر ماه رجب ۱۳۰۷ هجری قمری) قرارداد امتیاز توتون و تنباکو را امضاء می‌کند. دولت انگلیس برای جلوگیری از هرگونه خطر احتمالی ـ به شیوهٔ همیشگی خود ـ قرارداد را نه به نام "دولت انگلیس"، بلکه به عنوان یک فرد به نام "ماژور تالبوت" امضاء میکند. عایدات ایران از این امتیاز ۵۰ ساله چیزی است در حدود ۱۵٫۰۰۰ لیره در سال، که به خزانهٔ دولت واریز خواهد شد. در مقابل:

ـ اجازه خرید و فروش کلی و جزیی توتون و تنباکو به انحصار شرکت انگلیسی در می‌آید.
ـ ورود توتون و تنباکو به هر عنوان ممنوع می‌گردد.
ـ خریدار منحصر به فرد محصولات، فقط شرکت انگلیسی است.
ـ خاطیان از این مقررات به "کیفر سخت" تهدید میشوند. (۱)
ـ . . . . .

روشن است که پس از تحمیل چنین قرارداد خفت‌آوری، کمپانی انگلیسی میتواند محصول را به هر قیمت که اراده کند، خریداری‌نماید. کشاورز ایرانی در این شرایط، از شدت فقر مجبور به فروش محصول خود می‌شد. جالبست که در صورت‌عدم فروش نیز، محصول کشاورز به نفع کمپانی ضبط می‌شد و خودش تازیانه می‌خورد. تاجران و تعداد قابل توجه خرده‌فروشان تنباکو و توتون، اغلب از زندگی ساقط شدند و تعداد اندکی توانستند از فرامین شرکت بیگانه تبعیت نمایند و ظاهرا "نجات یابند. در آن زمان اکثر مردم مصرف‌کنندهٔ تنباکو بودند و بالاجبار قیمت پیشنهادی کمپانی را می‌بایست قبول می‌کردند.

باید دانست که قرارداد تنباکو فقط به غارتگریها و تحمیلهای اقتصادی محدود نمی‌شد. این قرارداد دارای آثار عمدهٔ تسلط نظامی و فرهنگی انگلیس نیز بود.

در همان آغاز کار، کمپانی انگلیسی سپاهی مسلح فراهم می‌آورد و آنها را در شهرهای مختلف می‌گمارد. با انجام این عمل، یکی از علمای آن زمان، به هدفهای شوم استعمار پی برده و اعلامیه‌ای صادر می‌کند. در این اعلامیه آمده است:

" . . . . اهالی انگلیس و مکر و حیل آنها نسبت به اهالی مصر هند و سایر جاها واضح و هویدا کالشمس فی وسط السماء گردید که قرارداد آنها پایه و اصلی ندارد. چنانچه در بدو ضبط هند، به اسم تجارت، رعایای آنجا را تبعهٔ خود ساخته و از خود هم جماعتی منظم نموده، بالاخره بدون زحمت منازعه بر تمامت مملکت استیلا یافتند و برقرارهای اولیه وفا ننمودند و همه را هم به‌همین نحو مقهور ساختند، و الان آن نابکاران در صدد ضبط مملکت ایران برآمده‌اند. " (۲)

روشنگریهای علما، در جهت آگاهی توده‌ها و ایجاد روحیهٔ ضد اجنبی در مردم، که از اندیشه‌های اسلامی سرچشمه می‌گرفت، اساسی‌ترین عامل برای قیام مردم شد.

**روند جنبش تنباکو:**

همزمان با آغاز کار شرکت انگلیسی در ایران، نخستین موجهای اعتراض به دولت و مخالفت با شرکت مزبور، در گوشه و کنار کشور سر برمی‌آورد. مردم نارضایتی خود را در ابتدا به صورت مسالمت‌آمیز، سعی می‌کنند به گوش شاه و دولت برسانند. علما در مورد پی‌آمدهای اقتصادی ـ اجتماعی این قرارداد، به دولت هشدار می‌دهند. اعتراضهای بحق مردم و روحانیت توسط دولت سرکوب می‌شود. ادامهٔ مبارزه میزان آگاهی مردم را در مورد پی‌بردن به ماهیت دولت و موضع روحانیت افزایش می‌دهد. مردم شروع به قیام در جهت تعیین سرنوشت خویش و تحقق خواسته‌های برحقشان می‌نمایند. رهبری در این قیام به عهدهٔ علمای مذهبی است.

اولین جرقه‌های خشم مردم از شیراز برمی‌خیزد. با ورود مأموران انگلیسی، مردم شیراز سراسیمه به‌طرف خانهٔ علما می‌شتابند ـ حکومت متوجه تشنج کشور و مقاومت مردم می‌شود. در شیراز سیدعلی اکبر اسیری عالم شیرازی را در بیرون از شهر دستگیر و در واقع می‌دزدند و به عراق تبعیدش مینمایند. با بر ملا شدن این اقدام دولت، نه‌تنها مردم ساکت نمی‌شوند، بلکه بر مقاومت و شور انقلابی آنان افزوده می‌شود. کار به جائی میرسد که به دستور شاه برای سرکوب مردم، اجتماع آنانرا در شاه چراغ به خاک و خون می‌کشند و مردم را قتل‌عام می‌کنند. شاه میخواهد وسایل استقرار کارمندان بیگانه را با ریختن خون فرزندان خلق ایران فراهم نماید.

به دنبال این واقعه، مردم تبریز با صدور اعلامیه و مخابره تلگراف، از شاه می‌خواهند که حقوق مسلمین را به عیسویان نفروشد. اهالی تبریز اعلام می‌کنند که با اسلحه از حقوق خود دفاع خواهند کرد. با رو در رو قرار گرفتن مردم با منافع و کارمندان انگلیسی شرکت، امین‌السلطان نخست وزیر وقت، شروع به قدرت‌نمائی می‌کند. این امر نیز زمینه‌ای می‌شود برای رشد آگاهی و شور انقلابی مردم. رهبری نهضت در سایر شهرها، نظیر شیراز، با علمای مذهبی است. میرزا آشتیانی در رابطه با لغو امتیازتنباکو، بارها با شاه و امین‌السلطان ملاقات می‌کند، اما راه به جائی نمی‌برد. علمای تهران از میرزای شیرازی، رهبر شیعیان در سامره درخواست می‌کنند که در این مورد تصمیم جدی اتخاذ نماید. علمای سرشناس، منجمله سیدجمال‌الدین نیز، در این‌باره با ارسال نامه خواستار اقدام فوری وی می‌شوند.

میرزای شیرازی بالاخره پس از پی بردن به عمق مسئله، دست به اقدام می‌زند. ابتدا در تاریخ ۱۹ ذی‌الحجه ۱۳۰۸ هجری قمری (۱۷ماه پس از انعقاد قرارداد) ازطریق پسر شاه تلگرافی به‌ناصرالدین شاه مخابره می‌کند. وی در این تلگرام به ذکر مداخلهٔ اتباع مملکت و کشتار مردم و . . می‌پردازد و در آخر عفو حاج سید علی اکبرخان اسیری را می‌خواهد.

در پاسخ، و به منظور آرام نمودن میرزا، شاه مشیرالوزرا را به سامره می‌فرستد تا فواید!؟ قرارداد را برای او شرح دهد. سعی بیشتر مشیرالوزرا در تشریح فواید قرارداد، میرزا را در تصمیم مربوط به لغو قرارداد خفت‌بار، مصمم‌تر و قاطع‌تر می‌کند. او می‌گوید:

"نگذارید کارتان به آنجا بکشد که وقتی ملجاءشوید و بخواهید دست توسل به دامن ملت بزنید، ملت را دیگر دامن نمانده باشد". و چون مشیر از ضعف دولت در برابر انگلیس سخن می‌گوید، از میرزا پاسخ می‌شنود که: " اگر دولت از عهده بر نمی‌آید من بخواست خدا آنرا برهم میزنم" (۳). اما دولت به‌منظور از بین‌بردن شور انقلابی مردم جواب دادن به میرزا را به بهانه‌های مختلف به تعویق می‌انداخت، از جمله عنوان می‌کند که برای تهیه پاسخ مفصل به‌میرزا، زمان‌بیشتری لازم است.

برخلاف انتظار دولت، دوباره سیل نامه‌ها به سوی میرزا روان می‌شود. همه مصرانه اقدام جدی میرزا را درخواست می‌کنند. میرزای شیرازی نامهٔ دوم را برای‌شاه، توسط فرزندخود او، می‌فرستد و قاطعانه قطع مداخلهٔ انگلیس و . . . را طلب می‌کند. که باز مطابق معمول، شاه روزهای متوالی پاسخ را به عهدهٔ تعویق میندازد. این بار میرزا پی‌به هدف محیلانهٔ شاه از اتلاف وقت می‌برد، ولی از طرفی می‌بیند که‌شور و حرارت مردم برخلاف نقشه‌های دربار قاجار روز به روز بیشترمیشود و تلاشهای آنان ابعاد وسیعتری می‌یابد. از جمله از کلاردشت خبر می‌رسد که مردی روحانی به نام " عالمگیر "مردم را به قیام دعوت‌کرده است. حدود هزار نفر از او تبعیت کرده و برعلیه دولت دست به شورش می‌زنند. به دستور ناصرالدین شاه، قیام را به شدت سرکوب می‌کنند. به‌طوریکه نزدیک به ۲۰۰ تن از آنان کشته و عالمگیر دستگیر می‌شود. نمونه‌های متعدد از این نوع قیام مردم و سرکوب وحشتناک دولت ناصرالدین شاه، در گوشه و کنار مملکت اتفاق می‌افتد و نقاب‌از چهرهٔ حکومت بیگانه‌پرست و سفاک قاجار بر می‌دارد.

**تحریم تنباکو:**

مردم ایران هر لحظه در انتظار فتوای میرزا بودند. علمای اکثر شهرهای ایران مکررا "از او خواسته بودند که حکم تحریم تنباکو را اعلام کند. بالاخره فتوای تحریم، قاطع و مجمل صادر شد و درسراسر ایران توفانی بی‌سابقه برپا کرد. متن فتوا به شرح زیر است:

بسم‌اله‌الرحمن الرحیم ـ الیوم استعمال تنباکو و توتون بای ـ نحوکان در حکم محاربه با امام زمان صلوات‌اله و سلامه علیه است. "حورة‌الاقل محمد حسن‌الحسینی" (۴)

با صدور این فتوای، که بیان قاطع خواستهٔ مردم بود، اقدام دسته‌جمعی برای نشر و پخش هرچه بیشتر آن بین قشرهای مختلف مردم و نقاط مختلف مملکت، آغاز می‌شود. افرادیکه توانایی نوشتن داشتند، خود، واکثریت مردم که این توانایی را نداشتند بیاری میرزا بنویس‌ها، نسخه‌های مختلف از متن فتوای تهیه و پخش می‌کردند. با فقدان وسایل ارتباط جمعی و بیسوادی وحشتناک عصر ناصرالدین‌شاهی، رساندن پیام رهبر روحانی ملت کار آسانی نبود. ولی بدون انتشار وسیع این اعلامیه هم اثر قاطع فتوای آشکار نمی‌گردید. پیوستن مردم نقاط دورافتادهٔ مملکت و ساکنان حرمسرای شاهی به جنبش تحریم تنباکو، میزان توفیق این حرکت جمعی در نشر فتوای را بر همگان‌نشان داد.

همگی بپاخاستند و حرکت عظیمی را علیه نفوذ غارتگران بیگانه شروع نمودند. چقدر یک پیام یک سطری باید نافذ باشد که کارگر، مصرف تنباکو و توتون را جرم بداند و آن تاجر شرافتمند اصفهانی با واکنشی انقلابی ۱۲ هزار کیسه تنباکویش را شبانه به آتش کشد و از اجرای فرمان کمپانی سرباز زند و زنان حرمسرای شاه نیز قلیانها را بشکنند. امین‌السلطان وزیر اعظم و شخص ناصرالدین شاه نیز نتوانستند مصون از آثار این‌تحریم بمانند. این گفتگو بین‌ناصرالدین شاه و یکی از زنان حرمسرایش، که داشت قلیانها را جمع‌آوری می‌کرد، نقل شده است: شاه دلیل اقدام او را میپرسد و جواب می‌شنود که: "قلیان حرام شده‌است" شاه می‌پرسد "چه کسی آنرا حرام کرده است؟" جواب: " آنکس که مرا بر تو حلال کرد".

ابعاد این حرکت چنان وسعتی داشت که یهودیان و مسیحیان نیز از آن تبعیت می‌کردند. گفته شده است که افراد متمرد و گردنکش به اصطلاح لوطیان و داش‌ها، چپق‌های خود را می‌شکستند و در مقابل ساختمان شرکت انگلیسی می‌انداختند و فریاد می‌زدند "من شراب را برملا میخورم و از هیچکس باکی ندارم ولی چپق را تا آقای شیرازی حلال نکند، دم هم نمی‌زنم". (۵)

ایادی شرکت انگلیسی، برای درهم شکستن این اتحاد، با همدستی امین‌السلطان و ملایان خود فروخته، از هیچ کوششی فروگذار نکردند. ولی نتیجه‌ای عایدشان نشد.

ناگهان اعلامیه‌هایی مبنی بر حکم جهاد، بر دیوارهای تهران نصب شد:

"برحسب حکم جناب حجة‌الاسلام آقای میرزا اگر تا ۴۸ ساعت دیگر امتیاز دخانیات لغو نشود، یوم دوشنبه آینده جهاد است. مردم مهیا شوید."

انتشار این خبر، هیجان عجیبی در بین توده‌های مردم ایجاد می‌کند، بطوریکه اگر علما آنرا تکذیب نکرده بودند حرکت مردم به یک جنبش ضد استبدادی راستین تبدیل می‌شد. ولی با وجود این، عکس‌العمل سریع و توده‌ای مردم در برابر آن، وحشت مهلکی برای روسای دولت ایجاد کرد. کلیه خارجیان مخفی شدند و در شهر عبور و مرور خارجیان بالکل قطع گردید.

بیگانگان و وابستگان آنها در پی راه حل مشکل بودند که یکی‌از ملایان خود فروخته، با وزیر مختار انگلیس ملاقات می‌کند و علاج مشکل را تبعید آشتیانی میداند. در ازای این خدمت سه هزار تومان حق‌الزحمه هم می‌گیرد.

پس ازمدتی تردید، ناصرالدین‌شاه دست‌خطی به نایب‌السلطنه می‌نویسد و دستور می‌دهد "به میرزای آشتیانی بگو یا باید در مجامع عمومی به منبر رفته و قلیان بکشد و یا از تهران خارج گردد."

جواب آشتیانی روشن بود. او گفت "نقض حکم حجت‌الاسلام از هیچ رو برایم مقدور نیست. یکروز مهلت دهید از تهران خارج خواهم شد".

این حرکت ناشیانه از طرف ناصرالدین شاه ملت رنج دیدهٔ بپاخاسته را بیشتر خشمگین می‌کند، به طوریکه صبح دوشنبه سوم جمادی‌الثانی ابتدا علما و همراه آنها مردم به طرف منزل میرزای ـ آشتیانی براه می‌افتند. همه مغازه‌ها تعطیل می‌گردد. زنان در بازار به حرکت درآمده و مغازه‌هایی را که باز هستند می‌بندند. شهر یکپارچه حرکت و قیام می‌شود.

عکس‌العمل نوکران بیگانه قابل پیش بینی است. درباریان با وحشت اقدام به حفاظت خود می‌کنند. توپهای جنگی را بیرون‌کشیده جلوی عمارت قرار داده اعلام آماده‌باش مینمایند. در اوج تظاهرات

بقیه در صفحه ۶

**وحدت نیروهای انقلابی مسلمان ضامن پیروزی ماست**

# از "حروفیه" تا مجاهدین

حرفی بمناسبت نمایش "حروفیه"

نوشته شهید حسین قشقائی کارگردان داود دانشور

اجرائی از واحد نمایش انجمن اسلامی دانشکده هنرهای دراماتیک

جمعه خونین ۱۷ شهریور بهانه‌ای می‌دهد بدست که شهید حسین قشقائی به عقب برگردد و تداوم این روز سرخ را بر چهره شیعیان قرن هشتم بنمایاند. این تأثیر را می‌توان از بعضی دیالوگهای نمایشنامه فهمید او این تداوم و همبستگی را نه‌تنها در خلق که در حاکمان و شاهان هم می‌بیند و بنحوی چشمگیر نیز.

نمایشنامه بر گرد فعالیتهای یک گروه از حروفیه می‌چرخد. نظم عادی و چهره‌های بظاهر آرام بازار شهر را دستگیری یک "حروفی" بهم می‌زند و این آغاز ماجرا است.

از حروفیه زیاد گفته‌اند گروهی با پیشداوری و ذهن‌گرائی خاص مکتبی کوشیدند تا نام ماتریالیست بر آنان زنند و گروهی دیگر واقع‌بینانه‌تر از تاروپود مورخان درباری واژه‌ها را شکفتند و اصالت شیعیشان را افشا کردند.

بنیانگذار حروفیه سید فضل‌الله استرآبادی متخلص به نعیمی است در حدود چهل سالگی شروع به تبلیغ عقاید فلسفی و اجتماعی خود کرد. شغل وی کلاهدوزی بود و لبه تیز تبلیغ او متوجه دولت فئودالیته تیموری شد بعد از اعدام او مریدش سید عمادالدین نسیمی مبارزاتش را ادامه می‌دهد عاقب کار هردو یکی است، شکنجه و اعدام از آنان کتب بسیاری به‌جای مانده از جمله آنها "جاویدان نامه" هدایت‌نامه، نومنامه، و دیوان اشعار نعیمی و نسیمی. جهان‌بینی‌شان مبتنی بر پایه‌های فکری تصوف است و به معنای باطنی کلمات اهمیت بسیار می‌دادند و معتقد به تقدس حروف بودند و بهمین مناسبت حروفیه نامیده شدند (۱)

بیشک شهید قشقائی آنچه در نوشتار خود بیش از همه بدان می‌پردازد و همه مسایل را تحت‌الشعاع آن قرار می‌دهد تأکید فراوان بر شیعه‌گریشان است از جمله می‌توان دیالوگهای چندی را نام برد مثل: صحنه وضو گرفتن حروفیان و سخنان داخل پرانتزی" وقایع نگار رو به تماشاچیان در دادگاه فرمایشی محاکمه حروفیان که: "فکر نکنید حقیقت را می‌نویسم" و این طبیعی است چرا که نه‌تنها تماشاچی این موضوع را در صحنه دادگاه می‌بیند که در تمام زندگیمان لمسش کرده‌ایم وواژه‌های "مزدکی" و "بی‌دین" درباره حروفیان همانقدر برای بعضی‌ها دل خوش کنک خواهد بود که "مارکسیست اسلامی" بر محققان کلیشه‌ای آینده!

وی تأکید بر این موضوع را چنان می‌کند که از دهان خود شاهرخ شاه‌هم برمی‌آید که: اگر این شیعه‌ها بگذارند زندگی زیاد هم بد نیست.

قشقائی بخوبی توانسته است روند هم‌آهنگ و هم‌فرم عکس‌العمل شاهان را بنمایاند و کسی که چشم بر صحنه می‌دوزد بی‌شک این فکر در ذهنش می‌آید که می‌شد به‌جای "حروفیان" گفت "مجاهدین" و بجای "شاهرخ شاه" "آریامهر" با همان ویژه‌گیها و تکیه‌کلامها.

"این مردم قدر ما را نمی‌دانند" شاهرخ شاه همانقدر به‌گوشمان آشناست که "مردم مرا درک نمی‌کنند" آریامهر.

گفتار از طنز هم بی‌بهره نیست چه در روال نمایشنامه و چه در صحنه‌های بخصوص از جمله داخل زندان و دادگاه! و این بر ظرافت حروفیه دوچندان افزوده است.

جالب‌ترین صحنه نمایشنامه صحنه دادگاه و محاکمه حروفیان است که با عبارت‌های امروزی "خارج از موضوع صحبت نکنید!" "این چرت و پرتها را نگو" "از خودت دفاع کن با دیگران و مردم چکارداری" انگار زمان را از حروفیه تا مجاهدین جلو آورده‌ایم جائی که به یک جمله تک کلمه‌ای می‌گفتند دفاع مگر خیلی وقت پیش بود که "حروفیه" بوی کهنگی دهد؟ این است که بر تنمان می‌نشیند و با پوست و خونمان حس می‌کنیمش!

جای پای "میلاد" را (۲) در نمایشنامه‌های اجرا شده توسط گروههای مذهبی می‌توان دید و آن "هم‌خوانی" یک سرود در ابتدا و در متن نمایشنامه است (۳) و ما در "حروفیه" شاهد شنیدن سرودهائی خواهیم بود که اگرچه شاید تقلیدی بنظر می‌رسد ولی خود بر غنای فرهنگی‌اش می‌افزاید.

بجای هیئت قضات دادگاه حروفیان "هیئت‌حاکمه" جامعه را قرار داده و توانسته است بنمایاند حاکمان "زر" و "زور" و "تزویر" را در لباس "خان" و "امیر لشکر" و "قاضی" و این نه ویژه قابیلیان و ایلخانان و شاهرخ شاه و... که عام همه سلطه‌گران است.

بهرحال باتوجه به حرکت تأتر متعهد به ایدئولوژی مردمی اسلام و خانه‌تکانی از فرم‌های وارداتی می‌توان آینده‌ای نویدبخش را در این خط امیدوار بود. این امید را علاءالدین رحیمی در "میلاد"اش و داود دانشور در "حروفیه"اش نشانمان دادند. به امید پویائی بیشتر این تحرک با استمداد از همه هنرمندان آگاه.

مهرداد طالبی ۵۸/۲/۶

(۱) آگاهی بیشتر در "سرخ جامگاه و نمدپوشان" ـ ابوذرورداسبی ـ و "نهضت حروفیه" ـ احمد توکلی ـ

(۲) اجرا شده در تالار مولوی دانشگاه تهران به‌کارگردانی علاءالدین رحیمی.

(۳) از جمله نمایشنامه "حسین یار شهید" با بازی‌ای در کیفیت تقریبا" متوسط و ترکیبی از نمایشنامه‌قلندرخونه، ایرج صغیری و بخشی از رمان "مسخ باز مصلوب" درسالهای اختناق با شهامتی درخور تقدیر در یکی از مساجد اجراء شد.

* * *

" رویش "

زمین پیر را
باید که شخم زد
و داس شکسته را
از نــــو ساخت
و بذر کهنه را پاشید
که بـرویــــــــد
و تفنگها را پر کرد
که در پائیــــز شغالها میآیند ه

-ابراهیم پرناک-

## مباحث ایدئولوژیك ....

بقیه از صفحه ۱

امت از سایر مفاهیمی که بر جمع افراد اطلاق میشود، همان مقصد و راه مشترکی است که افراد را به هم پیوند می‌دهد. در مفهوم امت غالبا" مقصد، راه رسیدن به هدف و حرکت بسوی آن نهفته است. در این کلمه، پویندگی بسوی مقصود، مبنای اتحاد و پیوند افراد است، در آیه ۲/ سوره مائده "... آمین البیت‌الحرام..." از کسانی که از بندگان بسوی خانه خدا هستند، صحبت میکند.

قرآن در مورد پرندگان و جنبندگانی که زندگی جمعی و مشترک و گروهی دارند و چون یک واحد بهم پیوسته عمل می‌کنند واژه امت را بکار می‌برد "و نیست جنبنده‌ای در زمین و پرنده‌ای که با بالهایش پرواز میکند مگر امت‌هایی نظیر شما" انعام ۳۸/. امت تا وقتی واقعیت دارد که در هدف و راه مشترک است ـ در صورت بروز اختلاف، وحدت و انسجام خود را از دست میدهد. در آیه ۲۱۳ سوره بقره می‌فرماید "مردم، امت واحدی بودند. سپس خداوند انبیاء را بشارت دهنده و بیم رساننده مبعوث کرد و با ایشان کتاب را بر بنیاد حق نازل فرمود تا بین مردم در آنچه اختلاف کردند حکم کنند" و اختلاف مردم مربوط به اختلاف در تشخیص هدف‌ها و نقطه‌نظرها و انگیزه‌هاست.

"... و ما اختلف فیه الا الذین و توه من بعدما جأتهم البنیات بغیا بینهم فهدی‌الله الذین امنوالما اختلفوافیه من‌الحق باذنه والله یهدی من یشآء الی صراط مستقیم"

"و در آن اختلاف نکردند جز کسانیکه به آنها کتاب داده شد و بعد از آنکه رئوس روشن به آنها داده شد ـ بدلیل تجاوز بین خود ـ پس خدا آنها را که ایمان آورند به آنچه اختلاف نمودند از حق باذن خود هدایت نمود و خدا هرکه را بخواهد براه راست هدایت می‌کند. یک جماعت ممکن است روی هدفهای خوب یا بد توافق و اشتراک داشته باشند و در هردو حال یک امت محسوب میشوند"

در آیه زیر اشاره به امت‌هایی میشود که در گمراهی و گناه شریک و همراه بودند و درنتیجه به سرنوشت شومی دچار شدند "قال ادخلوا فی امم قد خلت من قبلکم من‌الجن والانس فی‌النار کلما دخلت امة لعنت..." اعراف ۳۸. گفتند در امتهایی درآئید که قبل از شما از جن و انس در آتش قرار گرفتند ـ هر امتی که داخل شد دیگری را لعنت کند..."

مفهوم امت با ملت و قوم و هر اجتماع دیگر انسانی این فرق اساسی را دارد که وحدت در راه و سرنوشت در آن الزامی است ـ ممکن است ملتی به امت‌های مختلفی تقسیم شود ـ هر گروه که از یک ملت و یا قوم که در راه و مسیر مشترکی گام برمی‌دارند وروبسوی هدف واحدی دارند ـ یک امت هستند.

در آیات ۶۵ و ۶۶ سوره مائده، درباره شرایط نجات ورستگاری اهل کتاب صحبت میشود که می‌فرماید اگر تقوی پیش می‌گرفتند و تورات و انجیل و آنچه از سوی خدا بر ایشان نازل شده بود، بپا می‌داشتند، برکت رفعت از همه‌سو به آنها روی می‌آورد. "اما گروهی (امتی) از ایشان در راه درست میانه هستند و بسیاری دیگر اعمال زشت مرتکب می‌شوند"

در آیه ۱۴۳ سوره بقره مسلمانها را که دارای وحدت هدف و ایمان و راه و حرکت‌اند به‌عنوان یک امت نام می‌برد. امتی که راهی میانه دارد و رسالتی و مسئولیتی در برابر دیگر مردم بر عهده‌اش گذاشته شده است ـ امتی که باید نمونه و سرمشق باشد و به‌عنوان شاهد در بین سایر مردم عمل کند!! و "بدینسان شما (مسلمین) را امتی میانه گردانیدیم تا بر مردم شهید و گواه باشید و رسول هم بر شما شهید باشد و قبله‌ای که بر آن بودی (هدف) قرار دادیم تا کسانی که از رسول تبعیت می‌کنند از کسانی که به عقب باز می‌گردند (مرتجع‌اند) بازشناسیم."

بنابراین امت همه کسانی را که در یک مرز مشترک جغرافیائی ـ سیاسی بسر می‌برند و یا بیک زبان صحبت می‌کنند و یا دارای وحدت نژادی و قومی یا خونی هستند دربر نمی‌گیرد بلکه تنها مردمی را شامل است که دارای عقیده و طرز فکر و هدف و راه مشترک و واحدی هستند.

در دعای ابراهیم و اسمعیل هنگام ساختن خانه کعبه نیز خواست تشکیل امتی از فرزندان آنها که پیرو یک عقیده و تسلیم یک پروردگار و سالک یک راه و جستجوگر یک هدف باشند، مطرح شده است.

"پروردگارا ما را مسلمانانی برای خود قرار ده و از فرزندان ما امتی مسلمان (تسلیم) خود پدید آر و طریق عبادت ما را بما نشان ده و بر ما توبه کن که تو توبه‌پذیرنده مهربان هستی" بقره/۱۲۹.

در این معناست که مسئولیت مشترک افراد امت روشن می‌شود. امت یک کل یا شخصیت واحد و تجزیه‌ناپذیر است بطوریکه یک فرد از افراد امت مظهر و نماینده کل محسوب می‌شود. تا وقتی افراد یک‌جمع در عقیده و راه متفاوتند هرکس مسئول عمل خویش است و آثار عملش متوجه او می‌باشد.

چند کاروان که در راههای مختلف و بسوی مقاصد گوناگون در حرکت‌اند نه مسئولیتی نسبت بهم دارند و نه در سرنوشت یکدیگر سهیم‌اند. اما اعضای یک کاروان که در یک مسیر و بسوی یک هدف ره می‌سپارند هرچه بکنند، نیک یا بد، درست یا غلط آثارش همه کاروان را فرا می‌گیرد تا وقتی وحدت دارند که در یک راه حرکت می‌کنند ـ امت از هر لحاظ به یک کاروان شبیه است ـ اعضای تشکیل‌دهنده امت مانند مسافران قافله ابتدا مقصد و راه خود را انتخاب و تعیین کرده‌اند و سپس همراهان را یافته‌اند و سرانجام با انتخاب و تعیین یک قافله سالار، پیشوا و امام، راه افتاده‌اند حیات یک کاروان به هوشیاری و حرکت صحیح همه اعضاء وابسته است.

جدا ماندن از کاروان مترادف با گمراهی و نیستی است. امت تا وقتی هست که هدف و راه و حرکت وجود دارد اگرچه فقط یک نفر در آن راه گام بردارد. تا وقتی فرد در کنار امت است نمونه همگان و مظهر تمامی کاروان است و مسئول و شریک درسرنوشت کاروان.

ابراهیم پیامبر بزرگ خود یک امت بود "ان ابراهیم کان امة قانتا" للله حنیفا" و لم یک من المشیرکین" نحل ۱۲۰/ از آن‌لحظه که او هدف را شناخت، و راه را تشخیص داد و بسوی آن بحرکت آمد یک امت شد گرچه در آن لحظه فقط خودش بود.

پس درامت کمیت مهم نیست، هدف و راه و حرکت مهم است، هر وقت این سه در وجود یک نفر تحقق ـ یافت امتی بوجود آمده است ـ یک گروه همفکر و همراه در میان یک ملت، یک امت است که آنرا از سایر افراد شاخص و متمایز می‌گردند "لیوا سواء من اهل الکتاب امة قائمه یتلون آیات‌الله آناء الیل و هم یسجدون" یومنون بالله و الیوم الاخر و یامرون بالمعروف و ینهون عن‌المنکر و یسارعون فی ـ الخیرات و اولئک من‌الصالحین" آل عمران/۱۱۴/۱۱۳.

"همه از اهل کتاب مساوی نیستند، گروهی (امتی) بپا خاسته‌اند و آیات خدا را در اثناء شب و در حال سجده و تسلیم در برابر حق می‌خوانند. بخدا و روز آخرت ایمان آورند و امر به خوبی و نهی از بدی می‌کنند و در خوبی‌ها بر یکدیگر سبقت می‌گیرند ـ آنان از شایسته‌گانند" و یا در جای دیگر "ومن قوم موسی امة یهدون بالحق و به یعدلون" اعراف/۱۵۹ "و از قوم موسی گروهی (امتی) است که به حق هدایت کنند و بر آن دادگری نمایند" و در همین سوره "و ممن خلقنا امة یهدون بالحق و به یعدلون" اعراف/۱۸۱ "و از آنانکه آفریدیم، امتی است که به حق هدایت کنند و بدان دادگری ورزند" امت، گروهی از مردم است که رسالت مشترک داشته در پیشبرد

بقیه در صفحه ۵

**درود بر مجاهد نستوه آیت الله طالقانی**

## مباحث ایدئولوژیك

بقیه از صفحه ۴

آن در رسیدن به هدف احساس مسئولیت و وظیفه می‌نمایند ـ مردم در داخل یک امت نمی‌توانند نسبت به هدفهای خود بی‌تفاوت باشند. اصولا" تشکیل امت همراه است با تصمیم و قیام گروهی از مردم برای حرکت بسوی هدف "ولتکن منکم امة یدعون الی‌الخیر و یامرون بالمعروف وینهون عن‌المنکر و اولئک هم‌المفلحون" آل عمران /۱۰۴ "باید از شما امتی (گروهی) باشند که (مردم) را به‌نیکی دعوت‌کنند و از بدی نهی نمایند ـ وآنان پیروز و رستگارند"

در اینجا امت مفهومی نزدیک به یک‌حزب پیدا می‌کند درحقیقت یک حزب است مشتکل از افرادی همفکر و هم‌عقیده و با مسئولیت مشترک و مبارز و در حال قیام و پیکار برای پیشبرد یک هدف معین، هر امتی همانند کاروان به پیشوا و رهبری محتاج است ـ در میان هر امتی رسول و نذیری قیام میکند و به آنها هدف و راه نشان می‌دهد و بسوی مقصد هادی و رهنمون می‌شود. "در میان هر امتی رسولی برانگیختیم که خدا را پرستش کنید و از طاغـوت دوری گزینید" نحل /۳۶

امت به امام و رهبری مشترک نیازمند است ـ رهبری که‌دربرابر امت متعهد است و پیوند بین او مردم، همان عقیده‌وتعهد ومسئولیت مشترک عقیدتی است.

قرآن یک‌جا امت را به مفهوم یک حزب در حال مبارزه و قیام و یک‌جا، به‌معنای یک ملت هم‌عقیده و همراه و تمدن‌ساز بکار می‌برد که دارای فرهنگ و راه و هدف مشترک‌اند. هر امتی دارای فرهنگ و راه و رسم خاص خویش است و تمدن خاصی بوجود می‌آورد و زندگی و سرنوشت ویژه‌ای دارد.

"برای هر امتی شیوه عباداتی قرار دادیم تا خدا را یاد کننـد بر آنچه روزیشان داد از دامهای چارپا، و خدای شما خدای واحدی است" حج /۳۴

امت در این مفهوم رسالت یک حزب را برای تغییر نهادهای کهنه و هدایت خلق بسوی هدفهای عالی و جامعه توحیدی دارد. "شما بهترین امتی بودید که برای مردم مأمور هستید تا آنها را به نیکی دعوت و از بدی نهی کنید و به خدا ایمان آورید" آل عمران/ ۱۱۰

امت پس از آنکه بوجود آمد و پس از یک دوره وحدت و اشتراک به اختلاف دچار می‌شود، اختلاف در داخل امت انگیزه‌های مختلف دارد و مربوط به بحث تاریخ و تحول اجتماعی می‌شود. عوامل اختلاف، و ستیز در داخل یک امت ممکن است موجب انحطاط و مرگ آن شود از این رو هر امتی را سرآمدی است که پایان حیات سیاسی و فکری آن می‌باشد.

امت در اثر انحراف از مسیر حق به‌اختلاف وستیز کشیده می‌شود و فساد و تباهی در آن رواج می‌یابد و درنتیجه تشدید ظلم و شیوع شرک، سرانجام موجودیت آن از بین می‌رود و نابود می‌شود.

"ولکل امة اجل فاذا جاء اجلهم لایستاخرون ساعة ولایستقدمون" برای هر امتی سرآمدی است که چون فرا رسد نه ساعتی تأخیر و نه پیشی گیرد" اعراف /۳۴

تفرقه در میان یک امت از تفرقه در راه و روش و عقیده و مکتب سرچشمه می‌گیرد. به‌عبارت دیگر شخصیت و موجودیت هر امت به وحدت اعتقادی آن وابسته است ـ پس وجود امت‌های مختلف بدلیل اختلاف آنها در عقیده و هدف است در غیر اینصورت تمام مردم عضو یک امت واحد می‌شدند "ولو شاءالله لجعلکم امة واحده و لکن یضل من یشاء و یهدی من یشاء.."

"اگر خدا می‌خواست شما را امت واحدی قرار می‌داد لکن هر که را خواهد گمراه و هرکه را خواهد هدایت می‌کند" نحل /۹۳

وحدت یک امت به وحدت در اصول اعتقادی آن وابسته است "همانا اینست امت شما، امتی واحد و من پروردگار شما هستم پس از من پروا کنید" مؤمنون /۵۲ در دنبال همین آیه از تجزیه امت واحد به چندین حزب سخن می‌گوید "پس کارخود را بین خود تقسیم کردند، هر حزبی به آنچه نزدش هست شادان است" مؤمنون /۵۳

در این حال یعنی هنگامی که هر گروه و دسته‌ای از روی جهل یا سودجوئی راه جداگانه‌ای از راه حق پیش میگیرد و مرام و عقیده وراه و شیوه خود را برتر و اصیل می‌شمارد و بدانچه نزد او است و می‌کنـد دل‌خوش است. باید مدتی بگذرد و حوادث و تجربیات و آزمایشها، ماهیت و ارزش کار و عقیده و درستی و نادرستی هدف هرکدام را روشن سازد و آنها را که در گمراهی هستند. نتایج شوم عمل خود را به عیان ببینند.

"فذرهم فی غمرتهـم حتی حین" پس بگذار در تاریکی‌شان برای مدتی باقی بمانند مومنون /۵۴

مسئولیت مشترک افراد یک امت، چنانست که آنها را درسرنوشت آن شریک و سهیم می‌گرداند. در آنروز هر فرد باید در پس دادن حساب امت شرکت کند. امت بصورت یک کل و یک واحد در برابر سرنوشت قرار می‌گیرد ـ و این نکته با اهمیتی است و تأئید می‌کندکه منظور از امت همه افراد همفکر و همراه‌اند، پس هر انحرافی در امت مربوط به انحراف همه است و هر پیروزی مربوط به همه‌افراد ـ اختلاف یک ملت یا قبیله یا انواع دیگر اجتماعات که در میان آنها خوب وبد و هدایت شده و گمراه وجود دارد و هرکس مسئول عمل خویش است.

"وتری کل امة جاثیه کل امة تدعی الی کتابها الیوم تجـزون ماکنتم تعلمون" و هر امتی را بزانو درآمده بینی ـ هر کدام بسوی کتاب (نتایج عمل) خویش خوانده شوند و امروز بآنچه میکردند پاداش داده میشوند، جاثیه /۲۸ **ماخذ درصفحه ٦**

* * *

## پیرامون قطع روابط....

بقیه از صفحه ۱

میکند و می‌گوید: "تا جنگ ۷۳، امریکا روابط دیپلماتیک با کشورهای مهم عربی بجز اردن و عربستان سعودی نداشت. ما اغلب پیامهای خود را به دمشق و قاهره از طریق مسکو میفرستادیم. اما لازم بود با برقراری نوعی روابط مجدد با دنیای عرب، حفظ دوستی سنتی با اسرائیل و حرکت دادن منطقه بطرف صلح، ابتدا توسط سیاست گام به گام که ما همیشه معتقد بوده‌ایم به راه‌حل نهایی خواهد رسید، آغاز کنیم. اکنون به مرحله‌ای رسیده‌ایم که شرایط برای پیشرفت‌قابل ملاحظه در خاورمیانه دیده می‌شود. مصر و سوریه، عربستان سعودی و اردن همگی تن به یک پیشرفت به جانب صلح را داده‌اند، که‌وجود حقانیت دولت اسرائیل را برسمیت میشناسند. عناصر تندرو در منطقه تأثیری را که چند سال قبل داشته ندارند.

من معتقدم که اگرچه مذاکرات بسیار پیچیده خواهد بود. و وقت لازم دارد اما شرایط برای پیشرفت، بهتر از سالهای قبل است." (سخنان کسینجر در کلوپ ملی مطبوعات ۱۰ ژانویه ۱۹۷۷)

اولین مانع در راه این اهداف شوم صهیونیسم ـ امپریالیسم، جنبش به‌حق خلق فلسطین بود، مانعی که خواب خوش آقای کسینجر طراح امپریالیسم امریکا و دولت صهیونیستی اسرائیل را به کابوس مبدل کرد. اسرائیل از داخل و خارج بوسیله نیروهای فلسطینی پیاپی مورد حملات و ضربات قرار داشت. امریکا میخواست با طرح "گام به گام" با به سازش کشانیدن کشورهای عربی نیروهای مقاومت فلسطینی را در تنگنا قرار دهد و درنتیجه بپای میز مذاکره‌اش بکشاند. تا مگر با قرار دادن آنها در قطعه زمینی در کنار ساحل غربی رود اردن از یکطرف در محاصره کشورهای ارتجاعی عربی و از طرف دیگر با بودن اسرائیل مجهز به سلاحهای مدرن ساخت امریکا، فریاد انقلابی این خلق قهرمان را خاموش سازد. در این راه برای سازش کشورهای عربی به مصر و سوریه در مرحله نخست چشم داشت، زیرا رژیمهای اردن و عربستان سعودی سالهاست که طوق بندگی امپریالیسم امریکا را بر گردن خویش دارند، و اطاعت همه‌جانبه و بی‌چون و چرا را از سیاست‌های امپریالیسم، بعنوان نوکران وفادارش انجام داده‌اند. در نخستین مرحله از سیاست "گام به گام" شاهد امضاء سادات در پای قرارداد خائنانه صحرای سینا بودیم، که چگونه با زیر پا گذاشتن حقوق خلق فلسطین و خلقهای عرب، دولت صهیونیستی اسرائیل را برسمیت شناخت، زمانیکه آتش جنگ در لبنان به‌اوج خود رسیده‌بود. و این مقارن با پایان دوره ریاست جمهوری "فورد" بود، که پس از او کارتر با حمایت وسیع یهودیان امریکا در ژانویه ۱۹۷۷ به کاخ سفید رفت. در ابتداء ریاست جمهوری کارتر، وزیر امـور خارجـه‌اش "سایروس ونس" به اسرائیل، لبنان، مصر، اردن، عربستان سعودی و سوریه مسافرت کرد. در ادامه این مسافرت‌ها، طرح کنفرانس‌ژنو در جهت تحقق بخشیدن به منافع اسرائیل هرچه بیشتر دنبال میشد، و در این میان سادات هم هرچه بیشتر خود را به امریکا نزدیک می‌کرد. در مسافرت‌های پی‌درپی "سایروس ونس" به خاورمیانه و همچنین مسافرت‌های سادات به ایران و مذاکراتش با شاه مخلوع و دیگررهبران مرتجع در منطقه، سعی امریکا بر این بود تا با اجرای طرح کنفرانس ژنو در مرحله اول صلحی بین اسرائیل و مصر برقرار سازد و از این طریق خود بعنوان پیامبر "صلح" هم در سطح بین‌المللی کسب آبروی بیشتر کند و هم "آقای‌کارتر" پاسخی به حمایت صهیونیست‌های امریکا داده باشد و البته همه اینها در جهت گسترش منافع اقتصادی ارزیابی درستی بود.

### نخست‌وزیری بگین:

"حزب کارگر" اسرائیل در انتخابات ۱۷ مه ۱۹۷۷ از حزب "لیکور" با همکاری احزاب دیگر اسرائیل شکست خورد، و "مناخیم بگین" تروریست معروف که در کشتار فجیع "دیریاسین" شرکت داشت به نخست‌وزیری اسرائیل انتخاب شد. او پس ازانتخابات در نطق‌اش اظهار داشت. "ساحل غربی همانند سرزمین تحت‌اشغال‌نظامی نبوده، بلکه بمثابه یک منطقه آزاد شده از سرزمین تاریخی اسرائیل بود." سرسختی "مناهیم بگین" این کهنه صهیونیست معروف، که آرمانهای صهیونیستی‌اش را در اشغال اراضی اعراب و گسترش هرچه بیشتر خاک اسرائیل و نفوذ صهیونیستی ـ امپریالیستی در منطقه میدانست، مشکلات به‌اصطلاح "صلح" امریکا را دوچندان نمود. اما با خودفروشی "سادات" و زبونی شخصیت‌اش در مقابل امپریالیسم امریکا، به آنجا کشید که با مسافرتش به اسرائیل در ۱۹ نوامبر ۷۷، عملا" نشان داد که برای نوکری امپریالیسم امریکا همچون همتای خود در ایران آماده خدمت است. و در این راه از هیچگونه خیانتی فروگذار نخواهدکرد. جمعبندی کارتر ـ بگین، از سادات جمعبندی درستی بود. آنها دوست باوفایشان را که سالها در جستجویش بودند، یافتند. ولی برای آبرومندانه نشان دادن به‌اصطلاح طرح "صلح" خویش، دست به بازیهای سیاسی زدند، که نتیجه‌اش تا کنفرانس "کمپ‌دیوید" از ۵ تا ۱۷ سپتامبر عیان شد.

آقای کارتر قهرمان "صلح" با چهره‌ای "مقدس" دست مناحیم بگین تروریست معروف را در دست سادات خائن نهاد. با مطالعه قرارداد "کمپ‌دیوید" که از پیچیدگی زیادی برخوردار است، دقیقا" خیانت سادات به خلق فلسطین و آرمانهای خلقهای عرب در رهائی از یوغ صهیونیسم و امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا آشکار می‌شود. این قرارداد به دنبالش سعی دارد تا هرچه بیشتر نیروهای مقاومت فلسطین را در آخرین پایگاهشان "لبنان" به نابودی کامـل بکشاند. با موفقیت این قرارداد اسرائیل خیالش از جبهه مصر، که وسیع‌ترین جبهه نبرد بود، آسوده گردیده و تمامی نیرویش را در مرزهای سوریه و لبنان متمرکز ساخته، و امریکا هرچه بیشتر اسرائیل‌را به سلاحهای مدرن مجهز می‌کند. "مناهیم بگین" با امضاء قرارداد، موقعیت خویش و حزب "لیکود" را که در مقابل حزب "کارگر" ازنفوذ زیادی برخوردار نبود، تثبیت کرد. و تاحدودی از گسترش‌بحران در اسرائیل جلوگیری نمود. رژیم سادات هم با امضاء "صلح" بااسرائیل دروازه‌های مصر را بسوی امریکا گشود، و در جهت رشد سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم جهانی و تأمین منافع سرمایه‌داران در مصر گام برمیدارد.

از طرف دیگر با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، صهیونیسم اسرائیل که در زمان رژیم شاه مخلوع بیش از ۶۰ درصد نفت‌خویش را از ایران تأمین میکرد و ایران بزرگترین بازارکالایش‌بود. و امپریالیسم امریکا که پایگاه اساسی‌اش را در منطقه ازدست داده، اینک بازارخوبی در مصر برای گسترش استثمار اقتصادی و استحمار فرهنگی یافته‌اند، امریکا سادات خائن را بعنوان حامی منافع استثماری خویش انتخاب کرده است. سیل فروش اسلحه‌های مدرن (امریکا از سادات میخواهد تا پایگاه هوایی درصحرای سینا که‌اسرائیلی‌ها آنرا اتیزون می‌نامند، ایجاد کند، مصر ۳۰۰ جنگنده F 16 وصدها تانک‌و وسائل نظامی دیگر ازامریکا درخواست کرده‌است. درملاقات هارولدن براوان‌و سادات، یمن شمالی نیز درخواست کمک‌نظامی و سرمایه‌گذاری خصوصی از امریکا کرده است. همچنین سفارش ۳۰۰ میلیون دلاری که مبلغ آنرا عربستان سعودی خواهد پرداخت. که شامل ۱۲ جنگنده F 5 (اف ۵) به زودی به کنگره امریکا فرستاده.) از جانب امریکا به مصر آغازشده. امریکا با طرح "جنگ نیمه" که در آن دخالت محدود ارتش امریکا در هرجا که منافع‌اش در خطر افتد، در نظر گرفته شده، و از طرفی با قبول سادات در گسیل داشتن سربازان ارتش مصر به "عمان" و حمایت نظامی‌اش از سلطان قابوس، بیانگر وحشت هرچه بیشتر امریکا و ارتجاعیون منطقه از انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های مترقی‌وانقلابی در منطقه است. سادات با امضاء قرارداد با اسرائیل همانطوری‌که‌امام فرموده‌اند عملا" "اطاعت بی‌چون و چرای" خویش را از امپریالیسم امریکا به جهانیان اعلام کرده و در صف دشمن خلق فلسطین و خلقهای مسلمان منطقه قرار گرفته است. در این میان از سیاست‌های ضدخلقی دولت شوروی نباید غافل بود، که پس از تسلط امریکا در منطقه، جایگاهش را از دست داده و اینک از اوضاع آشفته و آب گل‌آلود میخواهد ماهی خویش را صید کند، و از در دیگر با مخالفتی ظاهری‌از قرارداد "سادات بگین" طرح درازمدتی برای تقسیم غنائم و منابع، بین خویش و امریکا، یار سرمایه‌دارش در سر دارد. و در این هیاهو و موج خیانت‌ها، جنبش مقاومت فلسطین و خلق محروم لبنان وبرادران و خواهران عرب ما، چشم امید به انقلاب رهائی‌بخش ایران دارند، انقلابی که با نهادهای اسلامی دشمن آشکار صهیونیسم و امپریالیسم جهانی است. پیام رهبر انقلاب ما در قطع رابطه دولت ایران‌ومصر، بیانگر نفرت امت اسلامی ایران از رژیم منفور سادات و رژیمهای ارتجاعی وابسته به امپریالیسم امریکا در منطقه است، و این پاسخ به ندای خلق فلسطین و خلقهای محروم عرب است که‌در نبردی تاریخی با امپریالیسم جهانی و صهیونیسم بین‌المللی به‌پیش می‌روند.

* * *

# نابود باد امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع

چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت ۵۸ سال اول شماره ۴ اُمّت

بقیه از صفحه ۳

## جنبش تنباکو...

همهٔ معابر اطراف خانهٔ میرزا، با تراکم جمعیت، مسدودشده بود ومردم فریاد می‌زدند: " وا اسلاما، یا علی، یا حسین. . . "

در این اثنا معتمدالسلطان "عبداللەخان والی با زحمت خود را به‌جناب "ملازان" رسانده و گفت اعلیحضرت می‌فرماید، "مقصد شماها چیست، بگوئید تا خود انجام دهیم.

جواب: "ما بجز اینکه امتیاز را از داخله و خارجه مملکت یکسره رفع نموده مداخله فرنگی از این عمل، مقطوع گردد، مقصود و مقصد دیگری نداریم " پس از رسیدن این خبر بامر میرزای آشتیانی اعلامیه شاه خوانده شد: "نایب‌السلطنه: امتیاز داخله که برداشته بودیم امتیاز خارجه هم برداشتیم و مردم مجبور در کشیدن قلیان نیستندتا حکم از جانب میرزا شیرازی برسد."

اعلامیه چون از طرف دربار نوشته شده بود، کوچکترین تغییری در روحیه‌مردم ایجاد نکرد. بلافاصله عبدالەخان نزد میرزای‌آشتیانی رفته و از طرف امین‌السلطان ابلاغی در خصوص رفع امتیاز می‌آورد. در مراجعت بعلت پرخاشی که بمردم میکند. ناگهان شورشیان بر او حمله کرده، و مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند نایب‌السلطنه به قصد ملاقات "وزیر نظام "که خانه‌اش محاذی ارک بود بیرون می‌آید تا از آنجا به ملاقات میرزا آشتیانی برود که مورد حمله قرار می‌گیرد حمله قرار می‌گیرد، اما توانست با کمک ملازمانش جان سالم بدر ببرد.

در پی این حوادث "معین‌نظام " از چاکران مخصوص‌نایب السلطنه برای سرکوب‌مردم، دستور تیراندازی می‌دهد اما سربازان از این‌دستور سرپیچی می‌کنند "معین‌نظام "به سربازان مخصوص دربار دستور شلیک می‌دهد این گروه‌بی‌شرمانه جمعیت کثیری از مرد و زن، کوچک و بزرگ را به گلوله می‌بندند.

حکم تبعید آشتیانی با این قیام خلقی نه تنها منتفی می‌شود، بلکه امتیاز تنباکو هم لغو می‌گردد. ناصرالدین‌شاه با اعلام لغو این امتیاز در برابر ادعای خسارتی بمبلغ ۵۰۰ هزار لیره، از طرف‌کمپانی قرار می‌گیرد و بعلت خالی بودن خزانه دولت ناگزیر به دریافت پانصدهزار لیره وام از بانک شاهنشاهی (که انگلستان سرمایه‌گذار آن بود) با نرخ ۶% می‌شود که بازپرداخت آن چهل قسط و بمدت چهل سال میشد. بموجب ماده ۵ قرارداد این وام:

درآمد گمرک بنادر خلیج فارس، بوشهر، بندرعباس، لنگه و شهر شیراز؛ ضمانت ادای این تنخواه خواهد بود و باین ترتیب برای ضمانت بازپرداخت این وام دست انگلیس را بر بنادر جنوب ایران باز می‌گذارند تا هرگونه نظارت و کنترلی را بر آن بتوانند اعمال کنند. (۶)

## ویژگیهای جنبش تنباکو (۲)

دنباله در شماره آینده

ــ غلام سرداری ــ

**پاورقی‌ها:**

۱ ــ برای‌اطلاع از متن کامل قرارداد به کتاب‌ریشه‌وروندتاریخی جنبش تنباکو ص ۳۱ ــ ۳۳ مراجعه شود.

۲ ــ مقدمهٔ‌تاریخ بیداری ایرانیان ص ۴۷ و ۴۸

۳ ــ ابراهیم تیموری تحریم تنباکو ص ۸۹

۴ ــ شیخ محمدرضا زنجانی تحریم تنباکو ص ۵۵

۵ ــ ابراهیم تیموری تحریم تنباکو ص ۱۰۵ و ۱۰۶

۶ ــ قرارداد وام ضمیمه نامه" لاسنز" به سالیسبوری شماره ۹۲ تهران ــ ۱۸ مه ۱۸۹۲ نقل از روس و انگلیس در ایران ص ۲۵۳

## گود نشینان جنوب...

بقیه از صفحه ۱

تقسیم و پس از مطالعات و بازدیدهای لازم، گودهای مزبور را به ۱۵ بخش تقسیم نمودند.

۲ ــ خواهران و برادران به گودهای ۱۵گانه رفته و پس از پرس و جو از ساکنین گودها از هر گود یکفرد مورد وثوق را بعنوان معتمد محل جهت نظارت بر امر انتخابات شناسائی نمودند.

۳ ــ آکهی‌های دیواری درگودهای ۱۵گانه الصاق واز علاقه‌مندان به کاندید شدن جهت نمایندگی در گود مسکونی خود دعوت بعمل آوردند. (ضوابط مورد پذیرش قرار گرفتن کاندیداها عبارت بود از:

الف: سن بالاتر از ۲۲ سال

ب: معروف به امانت و تقوی

ج: تابعیت ایران

د: سکونت در حوزهٔ انتخابی)

۴ ــ آکهی ذیل را چاپ و در سطح وسیع توزیع نمودند:

بسمه تعالی

و شاورهم فی‌الامر و امرهم شورابینهم

گودنشینان عزیز جنوب تهران

با شرکت مؤثر در انتخاب شورای اسکان گودنشینان میزان بینش اسلامی و رشد سیاسی و اجتماعی و فرهنگی خود را نشان دهید.

جمعه ۱۴ر۲ روز انتخابات

۸ صبح تا ۵ بعدازظهر

برای دریافت برگ تعرفه تا روز چهارشنبه ۲/۱۲ همراه با شناسنامه به حوزه‌های مستقر در گود خودتان مراجعه کنید کاندیداها نیز میتوانند با یک قطعه عکس تا ساعت ۶ بعدازظهر دوشنبه ۲/۱۰ به حوزه‌های مربوطه مراجعه کنند.

۵ ــ چاپ تعرفه انتخابات و سپس چاپ برگ رای مخصوص هر حوزه با اسامی کاندیداها و عکسهای آنان در مقابل، جهت سهولت امر شناسائی برای انتخاب‌کننده.

۶ ــ برقراری حوزه‌های‌انتخابی درگودها بانظارت یک‌معتمد محلی + یک ناظر از جانب کمیته امام منطقه ۹ + یک نفر از خواهران و برادران بعنوان نماینده شهردار ناحیه ۵.

۷ ــ شمارش آراء با حضور هیئت ناظر و اعلام نتائج شمارش‌آراء بقرار زیر:

از ۱۰۹۷۵ تعرفه‌ای که دریافت شده بود تعداد ۸۲۳۷ نفر آنها در انتخابات شرکت و نمایندگان خود را بترتیب ذیل انتخاب نمودند:

۱ ــ گود توتونچی: آقایان میرجلیل سیدی، محمد ترابی و عبدالعظیم مجیدی.

۲ ــ گود باغ‌چالی: آقایان عزیزالله یزدی، محمدتقی حقیقت‌منش و حسن سعیدالنظر

۳ ــ گود ترقی: آقایان: رجب جلیلوند، عباس صابری وخان‌اوغلان هاتفی قره‌شیران

۴ ــ گود حاجی بازاری: آقایان محمدرضا شایگانی نژاد، مختارزاده و تزگل تیموری

۵ ــ گود نمکی: آقایان علی‌اکبر قاضی‌زاده هاشمی، فریدون مرادی قشقائی و ناصر تیر

۶ ــ گود انواری: آقایان غضنفر حق نظرلو، داود باقری و هوشنگ ویلیامی

۷ ــ گود معصومی: آقایان ناصر محمدیان، رجبعلی لامعی و سیف‌الدین نامور

۸ ــ گود رسولی: آقایان حسن قره‌گوزلی، رشید محمدی و جلال باقری

۹ ــ گود باغ آذری و چنگیزپور: آقایان سیدعباس حسینی، رضوان محمدحمیدی و محمد جعفری

۱۰ ــ گود نجیمی. خانم اشرف محمدزاده ارشاد و آقایان ابراهیم جوری برجلو و مطلب علی‌ثابت قدم

۱۱ ــ گودهای مرادی، سید عبدالله، آقا ماشاءالله: آقایان عطاء میرسمیعی، مجدالله حنفیه‌انگیزی و حاج علی فتحی خاتونی

۱۲ ــ گود عربها: آقایان محمدعلی دهقان دینه کردی، قربانعلی بستان‌منش نیک جوان و رحمان رهگوی.

۱۳ ــ گود حاج ماشاءالله: آقایان علی رعددوست و اکبر قوامی‌پناه

۱۴ ــ گودهای فدائی و وصالی: آقایان جواد علی‌درا، رضا قربانی و محسن هاشمی

۱۵ ــ گودهای کریم‌نیا، قاسم شکری، سیددرویش: آقایان محمدحسین خادمیان، حمزه علی سعیدی و محمد قاسمی.

۸ ــ نشست ۳ نفر نمایندگان انتخابی + نماینده کمیته محل + نماینده شهرداری منطقه جهت بررسی مسائل و برطرف نمودن مشکلات موجود.

لازم بتذکر است که مشکلات و وظائف موجود بگفتهٔ مسئولین و خواهران و برادران فعال، دوگونه‌اند:

الف: پاسخ به مشکلات و وظائف فوری شوراها:

۱ ــ در دسترس قرار دادن آب آشامیدنی

۲ ــ ایجاد رختشویخانه

۳ ــ ریختن اسفالت سرد در معابر خاکی

۴ ــ ایجاد بهداری (درمانگاه نسبتا" مجهزی قبلا" وجود داشته که حدود یکسال است، بعلت رفتن کارمندانش مورد استفاده قرار نمیگیرد)

۵ ــ ایجاد حمام

۶ ــ حل مسئله کمبود مدرسه

۷ ــ امکان هرچه سریعتر ساکنین "خانه‌های" در خطرریزش، در محلهای مناسب.

۸ ــ ایجاد کمیته‌های رفاهی، فرهنگی و . . .

ب: اسکان‌گودنشینان در مناطق مناسب و تبدیل گودها به‌فضای سبز، دریاچه و . . . بعلت غیرقابل سکنی بودن‌گودها.

جهت‌آشنائی بیشترباخوانندگان‌متذکرمیشویم که "گود به‌زمین‌مسطحی که ازکف‌خیابان‌پائین‌تراست‌ومساحت‌آن‌بتفاوت‌میان ۲ تا ۴ هزارمترمربع‌میباشد و اغلب بعلت برداشتن خاک جهت تهیه آجر باین صورت درآمده اطلاق‌میشود. برای ورود باین گودها میبایست ۳۰ تا ۴۰ پله پائین رفت. خانه‌ها عموما" کوچک بین ۴۰ تا ۵۰ متر و ندرتا" بیش از صد مترمربع میباشد. در هر خانه چندین خانوار زندگی میکند. اجارهٔ اطاقها بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ تومان میباشد. چاه مستراح در کنار چاه‌آب خانه قرار دارد. ساکنین گودها غالبا" روستائیان‌آواره‌شده‌اززمینهای خود میباشند. تعداد ساکنین گودهای این منطقه ۴۰ هزارنفرمیباشد. اکثرا" پس از کودتای آمریکائی ۲۸ مرداد و "انقلاب سفید "گودنشین گشته‌اند. از هیچگونه امکانات بهداشتی، فرهنگی، تفریحی و زیستی برخوردار نمیباشند. (درهای کاخ جوانان محل تا قبل از برقراری جمهوری اسلامی بروی اهالی و جوانان بسته بوده است و استفاده ــ کنندگان از این کاخ همچون سایر کاخها طبقات حاکمه بوده‌اند، بگفته کارمندان کاخ آقای هویدا جلسات عیش و عشرت شبانه ترتیب میداده و در مقابل کوهی از فقر و ستم و مرض و ناکامی وارد بر اهالی محل، در استخر کاخ برنامهٔ شناهای مختلط ترتیب میداده است.

پس از برقراری جمهوری اسلامی مسئولیت کاخ بعهدهٔ برادر ورزشدوست آقای غیاثی گذاشته شده و ایشان تمام امکانات کاخ را در خدمت فرزندان محروم این منطقه قرار داده‌اند.

از جمله باینکار خواهران و برادران و همکاری آقای غیاثی از ۱۰۰۰ نوجوان دورهٔ‌راهنمائی جهت استفاده از برنامه‌های آموزشی و ورزشی و همچنین مشاهدهٔ فیلم "آزادی" و صرف نهار جمعی برای جمعه ۲۱ اردیبهشت ماه ۵۸ دعوت بعمل آمده است).

تراکم جمعیت در هر واحد مسکونی بسیار است. توزیع سخت نابرابر امکانات و درآمدها بشکل وحشتناکی در گودها رخ مینماید. خانه‌ها از خشت و گل ساخته شده است و اکثرا" در حال ریزش میباشند. کمترین بارش‌باران سکنه‌را بوحشت میافکند و اوقات بارانی را با ترس و لرز، سطل بدست به خالی کردن آب جمع شده در منزل میپردازند. فقر غذائی بشدت در گودها بچشم میخورد. بیکاری، اشتغال کاذب، اعتیاد به مواد مخدر ساکنین گودها را رنج میدهد. اختلافات خانوادگی یکی دیگر از دردهای این مردم محروم میباشد.

گودنشینان و زاغه‌نشینان منحصر به آنچه شماره شد نمیباشند. در چهارسوی تهران این مغضوبین رژیم وابسته‌به‌امپریالیسم شاه‌خائن را می‌بینیم، در شمیران نو، خانی‌آباد، خیابان زنجان، دولت‌آباد و . . . . و حلبی‌نشینان آبادان و کپرنشینان بندرعباس‌واهوازو بوشهر و محلهٔ بابائیان زاهدان و . . . . که گودهای جنوب تهران در مقابل آنها حکم بهشت را دارد.

پدیدهٔ حاشیه‌نشینی و گودها و کپرنشینان و . . . جزئی ازمشکل مسکن که خود زائیدهٔ نظام استبدادی و ارتجاعی شاهنشاهی تحت سلطه امپریالیسم میباشد، بشمار میرود. در تمامی جوامع مشرک نیز این پدیده بچشم میخورد.

حل این مسئله مستلزم تغییر بنیادی درتمامی نهادهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی گذشته و تحول آن بنظام عادلانه‌اسلامی میباشد.

بقیهٔ این گزارش را در شمارهٔ آینده با نقل‌قولهائی از ساکنین گودها و بررسی مسئله مسکن و راه‌حلهای این مشکل در پرتورهنمودهای امام ادامه خواهیم داد.

در پایان، امید آن داریم که کوشش اسلامی و انقلابی خواهران و برادران ما در خدمت به مستضعفین‌وایجاد شوراهای محلی، همچون اسوه و الگوئی فرا راه همهٔ انسانهای مبارز و متعهد قرار گیرد، تا با توانی هرچه بیشتر تمامی عوامل مقومه استعمار، استبداد و استثمار و استحمارواستبعاد را درهم کوفته و بسوی برقراری مناسبات توحیدی به پیش تازیم و عشق و علاقه خود را به توده‌های مستضعف نه در حرف بلکه در عمل باثبات رسانیم.

**واژه ها**

مآخذ:

۱ ــ المنجد

۲ ــ قاموس قرآن

۳ ــ مفردات راغب

۴ ــ امت و امامت.

**پیش بسوی تشکیل شوراهای انقلابی اسلامی کارگران، کشاورزان، دانش‌آموزان، دانشگاهیان، معلمین، سربازان، درجه‌داران، افسران، اصناف و شوراهای محلی.**

جهارشنبه ۱۹ اردیبهشت ۵۸ سال اول شماره ۴ اُمت



بقیه از صفحه ۱

## سندی...

به اطاق فوتبال میبرند.

و اتاق فوتبال را همهٔ آنانی که بدست محافظان رژیم پهلوی اسیر شده‌اند بخوبی میشناسند، عده‌ای از دژخیمان دورادور اطاق ایستاده‌اند و آنها را که تمام خواسته‌های رژیم با کلمهٔ مقدس "لا" جواب گفته و جبههٔ خدائی خویش‌را به‌بیان نشسته‌اند محاصره می‌کنند و هرکدام بر او با مشت و لگد هجوم میبرند و چون توپ فوتبال او را به یکدیگر پاس میدهند و در اینجا زمان به توقف می‌ایستد و آسمان به این صحنهٔ پاک خدائی مینگرد، که مردی یا زنی معتقد به راه راستین خویش در زیر ضربات مشت و لگد دژخیمان به تمسخر تمام قدرت فرعونی شاه ایستاده است و با تلوتلو خوردن خویش پایه‌های رژیم پهلوی را هرچه بیشتر سست می‌کند ومیلرزاند تا روزگاری دررسد که فروش ریزد و فرو ریخته شد و "فاطمه" در آغاز به این اطاق برده شد و تمامی دژخیمان که غولان احمقی بیش نبودند بر او یورش بردند و نشان دادند که جز پستی چیزی بر جان ندارند.

و بعد بازجوئی از او شروع شد.

و برگ بازجوئی او نشان میدهد که درنظر انقلابیون اطاق‌فوتبال و همهٔ قدرت دژخیمان مسخره‌ای بیش نیست.



برگ بازجوئی را میخوانیم تاریخ ۵۴/۵/۲۵

س ـ هویت خود را بیان نمائید.

ج ـ هویتی ندارم من مجاهد خلقم.

س ـ مشخصات پدر و مادر خود را معرفی کنید

ج ـ من فرزند خلقم

س ـ محل کار و محل سکونت پدر و سایر بستگان خود را مشخص کنید

ج ـ همانطوریکه قبلا" گفتم من فرزند خلقم و محل سکونتم نزد خلق است.

س ـ نارنجک و اعلامیه‌ها و سیانور را از کجا تهیه و به چه منظور با خود همراه داشتید.

ج ـ مجاهد باید مجهز به این سلاح باشد.

س ـ شما ملزم به دادن پاسخ صحیح و معرفی خود میباشید اینک مجددا" بشما تذکر داده میشود هویت اصلی خود را بیان نمائید.

ج ـ سکوت

توضیح: بازجوئی در ساعت ۱۸/۴۵ آغاز و در ساعت ۲۱ با حضور امضاء کنندگان زیر خاتمه و مشارالیها که هویتش معلوم نمی‌باشد ضمن دادن شعارهای ضدملی و اهانت بمقامات عالیه از دادن پاسخ خودداری مینماید این بازجوئی در ساعت ۲۱/۰۰ خاتمه داده شد.

| | | |
|---|---|---|
| بازجو اسفندیاری | روحی | تیموری |
| امضاء | امضاء | امضاء |

و بدینسان چون دژخیمان نتوانستند سخنی را که می‌خواستند از زبان "فاطمه" بشنوند او را به اطاق شکنجه بردند و در ساعت ۴ بامداد ۵۴/۵/۲۶ در زیر شکنجه‌های آریامهری به شهادت رساندند و در گزارش ناجوانمردانه‌شان نوشتند که "فاطمه" با "ملحفه" خود را در سلول حلق‌آویز کرده است و چه دروغ کثیفی که در هیچ سلولی "ملحفه" را کسی ندیده و روزی نامه‌های روزگار پلیدان نیز گزارشی نوشتند که "زنی از کوه سقوط کرده و کشته شده است" و بدینسان دستهای دژخیمان آریامهری از آستین ظلم خون دیگری را بر صحنهٔ زمین جاری کردند و شاهد دیگری را به کاروان شهیدان تاریخ شیعه پیوند زدند یادش گرامی باد که چون او زنی را روزگار بخود کم خواهد دید. و فاطمه امینی فاطمه‌ای بود.

## سرمقاله

بقیه از صفحه ۲

اگر بجای خلع ید از غاصبین حقوق مردم و ثروتهای ملی و کنترل مؤسسات تولیدی، اجازه دهیم همچنان در موضع‌خود باقی بمانند و باز هم با حیله‌های تازه سرمایه‌ها را خارج و تولید را متوقف و کارگران را استثمار کنند، اگر بجای کمک سریع به رشد کشاورزی و صنایع وابسته به کشاورزی و رونق بخشیدن به صنایع ملی و محلی که با سرمایه‌گذاری اندک نیروی کار زیادی را جذب می‌کنند و ما را از وابستگی به استعمار می‌رهانند ــ به سرمایه‌داران وابسته کمک کنیم تا چرخهای اقتصادی را بحرکت آورند ــ اشتباه کرده‌ایم اگر بجای‌اعتماد کردن به مردم و سپردن سرنوشت کشور بدست آنان از طریق تشکیل فوری شوراهای محلی و شهری و ایالات و کارکنان مؤسسات، عوامل و عناصر نامطلوب را همچنان در مواضع قدرت و تصمیم‌گیری‌نگاهداریم موفق نخواهیم بود ــ کارگران و مهندسان ما ثابت کرده‌اند بخوبی قادر به‌ادارهٔ مؤسسات تولیدی هستند ــ خیلی بهتر از کارفرمایان غارتگر و سودجو شوراهای مردمی خیلی بهتر از عناصر فرصت‌طلب و سودجو و فاسد گذشته می‌توانند امور شهر و روستای خود را اداره کنند ــ اگر بجای تغییر مناسبات نامشروع در تجارت و بانکداری و کنترل آن توسط شوراهای اسلامی تجارت و بانکداری ــ اجازه دهیم مشتی سودجو همچنان به تجاوز و غارت‌گری خود ادامه دهند ــ موفق نخواهیم شد.

اجرای این برنامه‌ها میسر است بشرطی که اولا "یک مرکزیت‌قوی بوجود آوریم و شورای رهبری انقلاب قدرت تصمیم‌گیری‌ــ صلاحیت و نفوذ کلام و اعتماد لازم را کسب کند و با قاطعیت ازهر نوع هرج‌ومرج جلوگیری کند.

اگر مرکزیت انقلابی اقدامات قاطعی در اجرای هدفهای فوق به عمل آورد آنگاه می‌تواند قاطعانه با عواملی که مغرضانه با خلق و انقلاب دشمنی می‌ورزند، مبارزه کند.

شورای رهبری انقلاب باید با جلب همه نیروهای اصیل‌توحیدی و بسیج کامل توده‌ای ــ هدفهای فوق را تحقق بخشد و ضد انقلاب را از پای درآورد ــ

اگر مرکزیت انقلاب مظهر کامل تمام نیروهای اصیل و انقلابی نباشد و به عنوان نماینده همه مردم و مظهر آرمانهای اسلامی عمل نکند و بجای آن‌وارد دسته‌بندیها و نزاعهای بین گروهها و احزاب شده بازیچه انحصارطلبی و قدرت‌جوئی افراد و گروهها قرار گیرد ــ اعتماد مردم را از دست می‌دهد ــ نیروی مردم را تجزیه می‌کند و در برابر دشمن بشدت ضعیف و آسیب‌پذیر می‌شود.

شورای رهبری انقلاب باید همه استعدادهای مردم را بکار گیرد و در استفاده از نیروی مردم برای اجرای برنامه‌های انقلاب به عقاید افراد و گروهها (جز آنچه بر ضدانقلاب است) کار نداشته باشدوحدت کلمه‌ای که امام بارها تأکید می‌کند چگونه تحقق می‌یابد:

از این راه که مرکزیت یعنی شورای انقلاب همه نیروهای انقلابی را حول محور و کلمه مبارزه با دشمن با نظام فاسد پیشین و برای‌بنای جامعه نوین متحد سازد ــ انگشت روی اختلافات عقیدتی نگذارد ــ و آنرا مستمسک نزاعهای گروهی قرار ندهد اکثریت مطلق خلق جمهوری اسلامی و پایه‌های ایدئولوژی انقلاب را پذیرفته و بدان رأی‌داده‌اند.

آیا باید نگران مخالفت دو یا سه درصدی باشیم که با اسلام مخالفند یا نگران آن باشیم که با وجود این قدرت عظیم که در کنار ما هست در حل مسایل موفق‌نگردیم ــ مسایل را آنگونه که هستند مطرح‌سازیم و صادقانه و از موضع مصالح انقلاب با آنها برخورد کنیم.

ترور استاد مطهری که نشانهٔ فعال بودن ضد انقلاب و مساعد بودن زمینه نفاق و درگیریها و انحرافات و کجرویها باید ما را بیشتر هشیار مسئولیتهایمان کند.

تجربیات تاریخی عبرت‌آموزند ــ چه انقلاباتی شکست خوردند و کدام پیروز شدند ــ علل شکست و پیروزی آنها بما درس می‌دهند

مردم در کنار انقلاب‌اند و آماده فداکاری ــ این را بارها نشان داده‌اند از اعتماد و از فداکاری مردم برای پیشگامی و پیشتازی در حل مسایل آنها استفاده کنیم ــ پیش از آنکه بی‌تفاوت ــ مأیوس و دلسرد و گیج شوند پیش از آنکه دشمن فرصت تجدید قوا پیدا کند و پیش از آنکه فرصت‌طلب‌ها از همه رنگ از ضعف ما سودجویند اگر ضعف و نارسایی در کار ما هست ــ صادقانه آنگونه که اخلاق اسلامی ایجاب می‌کند با آن ما برخوردکنیم، و به حساب دیگران نگذاریم.

این موقعیت استثنائی که از ایمان مردم به اسلام و اعتمادمردم به رهبری امام و وحدت و هشیاری و اتحاد آنان بوجود آمده است آسان از دست ندهیم.

صفوف خود را از عناصری که در پی حفظ منافع گذشته‌اند ــ در پی حفظ امتیازات پیشین‌اند و در اندیشه کسب قدرت و ارضاء تمایلات شخصی هستند، پاک کنیم ــ با سعه‌صدر و پیروی از سرمشق نیکوی پیامبر گرامی ــ راه را برای رشد و شکوفایی همه استعدادهای اصیل‌باز کنیم ــ تصور نکنیم هر چه "ما" می‌اندیشیم حقیقت و صحت مطلق دارد و جز "ما" کسی صلاحیت و "حق" اظهار نظر یا سهیم شدن در ایفای مسئولیتها را ندارد.

راه را برای قبول مسئولیت از جانب همه نیروهای مردمی که صادقانه به اسلام و به مردم عشق می‌ورزند باز و هموار کنیم ــ و فراموش نکنیم که استعدادهای مردم فقط در شرایط‌آزاد و فارغ از هرگونه تسلط فردی، گروهی یا طبقه‌ای شکوفا می‌شود ــ هر نوع استبدادی زیان‌آور و شوم است. و در عین حال احترام به‌آزادی مرادف قبول و تن‌دادن به هرج و مرج و آنارشیسم نیست. با هر دو باید قاطعانه مبارزه کرد.

* * *

**یاد شریف ....**

بقیه از صفحه ۸

همانطور که ملاحظه می‌شود "مبارز ایرانی" مزورانه،پس‌از اطلاع از کودتای درونی سازمان و غصب رهبری آن بوسیله عناصرمارکسیست و حتی پس از انتشار "بیانیه اعلام مواضع ایدئولوژیک"، پیامبرانه! پیش بینی می‌کند که "در آینده نزدیک‌عناصر بیشتری از این جریان‌به نهضت نوین کمونیستی ایران خواهند پیوست".

کلیه جریانهای مارکسیستی دیگری نیز که بعدها به موضع‌گیری‌های آبکی و سنجیده!، در رابطه با این‌خیانت آشکار به‌کل جنبش‌مسلحانه ایران، پرداختند از موضعی کاملا" فرصت‌طلبانه و پس از اینکه مذاکراتشان در رابطه با وحدت دو سازمان، با سردمداران خائن کودتاچی بعلت خوی رهبری طلبی و سلطه‌جوئی این عناصر به جائی نرسید به صدا درآمدند (۳). بنظر این "مبارز ایرانی" راه شریف واقفی‌ها که بر ادامه مسیر اسلامی سازمان تکیه می‌کردند در راستای افتادن به دامان بورژوازی وابسته بود.

اما به مصداق قرآنی "ان‌الباطل کان زهوقا" دیدیم که راه‌شریف واقفی‌ها ادامه‌یافت و انقلاب‌اسلامی ایران با رهبری‌قاطع امام خمینی به چه مدارجی از تکامل در امر مبارزه نائل گشت. دیدیم که‌منحرفین خود مجبور به "انتقاد از خود"های "سنجیده" گشتند، دیدیم که نام تشکیلات ورشکسته شان را تغییر دادند و اینان که حتی تحمل جسد آزادترین انسانهای زمین را نداشتند و آنرا به آتش کشیدند این بار بانگ "پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" را برداشتند. دیدیم که تاریخ حقانیت راه مجید را ثابت کرد و دیدیم ..... "هذا بیان للناس و هدی و موعظة للمتقین"

"این بیانی برای مردم و هدایت و اندرزی برای متقین‌است" مجید شهید همهٔ مردم ایران است.

محمد علی

۱ـ مصاحبه با یک مبارز ایرانی مجله الهدف به‌مناسبت‌ششمین سالگرد آغاز جنبش مسلحانه ایران ۸ فوریه ۱۹۷۶ ــ بهمن ۱۳۵۴

۲ ــ ترجمه از متن انگلیسی، تکثیر مجدد از انجمن دانشجویان ایرانی واشنگتن ــ بالتیمور.

۳ ــ به نشریات بحث درون دو سازمان چریکهای فدائی خلق و مجاهدین خلق ایران رجوع کنید.

# درود بر زن مسلمان، پیشتاز انقلاب اسلامی

## شهادت استاد مطهری

با اعلام خبر ترور استاد مطهری، موج خشم ونفرت سراسر کشور را فرا گرفت، سیل عظیم جمعیت، جنازه استاد شهید را از مسجد دانشگاه تشییع کرد ود ر قم در مراسم تدفین استاد صدها هزار نفر شرکت کردند. اقشار و طبقات مختلف مردم در این مراسم شرکت کردند، و با اندوه فراوان عمل ترور استادرا محکوم کردند، وخواستار مجازات عاملین این عمل ضد انقلابی شدند.

**اعلامیه جنبش مسلمانان مبارز دررابطه با**

## ترور استاد مطهری

بسم‌الله

قربانی دومین ترور ضد انقلاب استاد مرتضی مطهری بود که دیشب هدف گلوله قرار گرفت و بشهادت رسید.

میتوان گمان برد این اقدام ناشی از یک برنامه حساب شده ضد انقلاب است که بوسیلهٔ آن تصمیم دارد تخم سوءظن و بدبینی‌وترس و وحشت را در بین ملت بکارد و برای پیشبرد مقصودش عوامل دیو سیرت خویش با عوامل ناآگاه و ماجراجو را بکار می‌گیرد. ما بدنبال ترور سرلشگر قره‌نی بدولت و نیروهای انقلابی مسئول، نسبت بادامهٔ این توطئه‌ها هشدار دادیم بدیهی است که این اقدامات در ارادهٔ خلق قهرمان ما بدفاع از انقلاب و ادامه آن تا پیروزی کامل تزلزل بوجود نمی‌آورد بعکس آنها را در تصمیم خود استوارتر و برهوشیاری آنها می‌افزاید.

ما ضمن محکوم ساختن این توطئه خائنانه ضایعه فقدان معلم شهید را به ملت ایران و رهبر عالیقدرآن" امام خمینی" و به جامعه روحانیت تسلیت می‌گویم.

بررسی همه جانبه برای شناسائی عوامل اصلی توطئه‌های ضد انقلاب را سخت ضروری و وظیفه همه انقلابیون می‌دانیم.

**جنبش مسلمانان مبارز**

**۵۸/۲/۱۲**

**روز کارگر در کردستان**

بمناسبت روز کارگر در کردستان از طرف انجمن‌های اسلامی استان، در مسجد جامع شهر سنندج با شرکت هزاران نفر مجلس باشکوهی برپا شد، که در آن آقای ابوذر ورداسبی راجع به "حقوق کارگر در اسلام" سخنرانی کردند. و در پایان به سئوالات شنوندگان پاسخ دادند. همچنین آقای علامه مفتی‌زاده در اجتماع هزاران نفر از اهالی سنندج سخنرانی ایراد کردند.

## کارگران کشت‌وصنعت شمال

● شرکت کشت و صنعت شمال در بین راه ساری‌وبهشهر حدود ۸۰۰ کارگر دارد، که تولید روغن نباتی آن تا یکماه پیش /۴۰ تن در روز بود. ماه‌گذشته کارگران این شرکت قصد اعتصاب داشتند. اکثریت قریب باتفاق کارگرأن در ازای ۸ ساعت کار فقط ۲۵ تومان حقوق میگیرند، که آنهم با کسر حق بیمه و غذای ظهر به /۲۰ تومان تقلیل می‌یابد. حدود چهار هفته پیش آقای ابوذر ورداسبی ازطرف استانداری وکمیته انقلاب شهر ساری برای رسیدگی درخواستهای کارگران به محل‌کارخانه رفته، و با بحث و گفتگو با کارگران، با تکیه به ایدئولوژی اسلام خواسته‌های آنان را برحق دانسته و قول رسیدگی میدهد، آقای ورداسبی ضمن تماس با مرکز کشت‌وصنعت شمال درتهران، خواسته‌های کارگران را مطرح میسازد، اما مرکزیت شرکت از انجام آنها سر باز می‌زند. تا اینکه کارگران با همراهی ایشان خود اقدام می‌کنند، بادر دست گرفتن اداره امور شرکت توسط‌کارگران‌ومهندسان، تولیدروزانه کارخانه که قبلا" ۴۰ تن بود، به ۱۱۴ تن در روز افزایش یافت /۵۰ تن روغن بنفع کارگران ضبط شد و فروخته گردید که از مبلغ روغن فروخته شده با دادن حق کارگران /۱۲۰ هزار تومان هم زیاد آمد. متاسفانه کشت و صنعت شمال بجای قدردانی از مجریان اینکار، اخطاریه‌ای به استانداری فرستاده تا عاملان این کار را تحت تعقیب قانونی قرار دهند و به دا ستانی شکایت خواهند کرد!

● تحریم نفت: بنا براخبار منتشر شده کشورهای نفت‌خیز عربی، تحریم نفتی خویش را علیه مصر آغاز کرده‌اند. همچنین سیل‌کمک‌های نظامی امریکا به مصر ادامه دارد.

لطفا" وجوه نشریات امت را به‌حساب جاری شماره ۴۰۰ بانک صادرات شعبه تخت‌طاووس روزولت واریز نمائید.

## تداوم انقلاب، در روز کارگر

بعد از سالها فشار و اختناق و سرکوبی و پایمال نمودن حقوق کارگران، توسط‌رژیم منفور پهلوی، سالهای سیاهی که‌هیچکس‌ازحق برخوردار نبود و ارتجاع وابسته به امپریالیسم جهانی خلاقیت نیروهای انسانی را به استثمار می‌کشید امسال در آغاز بهار انقلاب روز کارگر با شکوهی انقلابی برپا شد. هزاران نفر ازکارگران باهمراهی تمامی طبقات و اقشار، با پیوندی مستحکم، روز کارگر را برای‌ساختن ایرانی آزاد و آباد جشن گرفتند. تظاهرات و راه‌پیمائی‌ها در تهران و در شهرستانها با پیام روشنگر امام آغاز گردید. پیام امام گویای ارزش کار و ارزشمندی کارگر در مکتب اسلام بود. رهبر انقلاب با رهنمودهای انقلابی، پیوند همه طبقات و اقشار را در پیشبرد امر انقلاب خواستار شدند. در تهران تظاهرات و راه‌پیمائی‌ها در صفوف منظم از نقاط مختلف شهر، با شعارهای‌ضدامپریالیستی، ضدصهیونیستی و حمایت کارگران ازآرمانهای انقلاب، برگزار شد. در این‌راهپیمائی عکس‌هائی از رهبر انقلاب، امام خمینی و عکس‌هائی از شهدا کارگر و دیگر شهیدان راه انقلاب حمل میشد. تظاهرکنندگان با شعارهای خویش بار دیگر پیوند خود را باانقلاب‌اسلامی‌ایران‌وجمهوری‌اسلامی و همچنین شعارهایی در پشتیبانی از جنبش فلسطین، اعلام داشتند. در میدان "امام حسین ع" چندتن از کارگران سخنرانی کردند وسپس پیامهای همبستگی توسط برادرهانی‌الحسن، نماینده مقاومت فلسطین در ایران، و دیگر گروهها قرائت شد. بعد از سخنرانی‌ها قطعنامه‌ای به‌تصویب رسید.

همان روز در نقاط مختلف تهران، برنامه‌های روز کارگران ادامه پیدا کرد. ازآنجمله راهپیمایی‌هایی از دانشکده کشاورزی حنیف‌نژاد تا کارخانه جهان چیت و از خانه کارگر تا حوالی میدان فردوسی در تهران برگذار شد. و برنامه‌ای در چمن دانشگاه تهران‌با شکوهی هرچه بیشتر برقرار شد. در این مراسم پیامی از دفتر نمایندگی فلسطین، همچنین پیامهایی از دیگر نمایندگیهای کارگری و دانشجوئی قرائت شد، سپس مادر یکی از شهدا کارگر با سخنانی کوتاه یاد آن شهید را زنده کرد. این برنامه با سخنرانی دکتر حبیب‌الله پیمان، که در آن مسائل جاری انقلاب و مشکلات کنونی و خطرات ارتجاع و امپریالیسم جهانی باطرح پیشنهادات در رابطه‌با تشکیل‌شوراها وایجاد مرکزیتی قوی، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. در شب همان روز نیز برنامه بررسی مسائل کارگری حسینیه ارشاد با اجتماع کارگران‌و صاحب‌نظران تشکیل شد، که خواهران و برادران کارگر به بررسی مسائل خویش پرداختند و نیازهای کارگران را مطرح ساختند. همچنین برنامه‌های روز کارگر در دیگر شهرستانها با شکوهی انقلابی احرا گردید. امسال روز کارگر انقلابی و روز تداوم انقلاب برای ساختن ایرانی آزاد وآباد بود. این روز به تمامی کارگران و زحمتکشان کشور فرخنده باد.

## توطئه‌امپریالیسم در مصر

● توطئه رژیم مصر علیه انقلابیون مصر: مجله الحالی چاپ‌کویت خبر داد که در هفته گذشته رژیم مصر یک حرکت انقلابی را کشف و افرادش را دستگیر نموده است. اما رژیم مصر تنها خبر کوتاهی ازآن پخش‌کرده است. واحدهای گشتی در مصر مراکز عمومی و خیابانها و رفت و آمدهای دانشجویان را کنترل می‌کند. همین محله نوشت که سادات فرماندهان و افراد گارد جمهوری را عوض‌کرده است و سازمان جاسوسی امریکا (سیا) سازمان جاسوسی مصر را زیر نظر دارد و این سازمان با کمک سازمان جاسوسی صهیونیسم اسرائیل‌افراد گارد محافظ سادات را انتخاب می‌کنند. مدتی است که‌سه‌سازمان‌جاسوسی سادات، صهیونیسم و امریکا در مصر با یکدیگر همکاری مشترک دارند.

## شمارهٔ ویژه "شریعتی"

نشریه "امت" برای بزرگداشت خاطره معلم انقلاب، مجاهد شهید دکتر علی شریعتی۲۶ اردیبهشت۵۸، درسالروزهجرتش شمارهٔ ویژه‌ای منتشر خواهد کرد.

هفته‌نامه امت

شماره: ۴

چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت ۵۸

زیرنظر: شورای نویسندگان امت

تخت طاووس- شماره ۲۳۲- تلفن ۸۳۹۶۶۷

چاپ شرکت افست «سهامی عام»

## یاد شریف‌واقفی را گرامی داریم

" زیان کرد آنکس که دروغ گفت، نابود شد آنکه ادعا کرد و هلاک شد آنکس که با حق سطحی برخورد کرد" علی(ع)

سازمان مجاهدین که در سال ۱۳۴۴ با تکیه بر جهان بینی توحیدی توسط مجاهدین شهید، محمد حنیف‌نژاد، سعید محسن وعلی اصغر بدیع‌زادگان تشکیل شد، توانست در اندک مدتی پس‌از شروع مبارزهٔ مسلحانه بدلیل ایدئولوژی مردمی‌اش، با حمایت بی دریغ توده‌های تحت ستم مسلمان ما روبرو گردد. این سازمان در تداوم مبارزات ضد ارتجاعی امپریالیستی خود توانست شهدای بزرگی چون رضائی‌ها، مفیدی‌ها، باکری‌ها، صادق‌ها و مشکین نام‌ها و... به خلق مستضعف خود تقدیم کند. رژیم که به درستی دریافته بود هرگز قادر نخواهد بود، حتی با قدرت جهنمی ساواک و پلیس خود به مقابله با مجاهدین بپردازد سعی کرد که با اتهام پلید "مارکسیسم اسلامی" و دامن‌زدن آن در بین‌مردم، حیثیت‌انقلابی مجاهدین را لکه‌دار نماید. درست میان اوج‌گیری چنین شایعات و برچسب‌های ناچسب و در میان بهت‌وحیرت هرچه‌تمامتر مردم، جزوه "بیانیه اعلام مواضع‌ایدئولوژیک سازمان مجاهدین خلق" از طرف منحرفین خائن منتشر شد که ادعای مارکسیست شدن مجاهدین را اعلام داشت. در واقع سخن ازمسئله‌ای بود که زمینهٔ تبلیغاتی آن از سالها قبل توسط رژیم ایجاد شده بود.

انتشار این جزوه با توجه به محتوی سرا پا دروغ و تهمت و مزورانه‌آن کینه و نفرت تمامی عناصر، گروهها وجریاناتی را که‌بنحوی ازانحاء در جریان کارمجاهدین بودند، برانگیخت. این نفرت زمانی به‌اوج رسید که متقلبین بیشرمانه برچسب "خائنین"، " عناصر ضد خلقی"، "سخت سران و اصلاح ناپذیران و کج اندیشان و کوردلان"را به شریفترین و مؤمن‌ترین فرزندان خلق یعنی شریف واقفی و صمدیه لباف و... زده بودند. خائنین منحرف سعی داشتند که با دست‌زدن به یک سری تبلیغات رندانه و پلید صدا بردارد که، رفقا مژده"ما توانستیم در اثر انتقاد از شیوه‌های رهبری گذشته و مبارزه، ریشه‌های نظرات غلط و شیوه‌های نادرست مبارزه را که پای در ایده‌آلیسم حاکم در بطن تفکر سازمان‌داشت، نابود کرده و به‌حقیقت‌مارکسیسم-لنینیسم نائل آئیم و به مبارزه اصولی با روبناها و افکار ارتجاعی و با اصول و مبانی ایدئولوژی‌های غیر پرولتری که متعلق به طبقات رو به انحطاط جامعه است بپردازیم و آخرین دژ ایده‌آلیسم را بگشائیم." و با بی‌شرمی هرچه تمامتر، کلیه این خیانت‌ها و قصابی‌ها را به حساب "صفای باطن"، "آگاهی و صداقت‌انقلابی" و"همبستگی‌تشکیلاتی‌خود" گذاشتند. اما در واقع تمامی این زرنگی‌های رندانه را برای موجه‌جلوه دادن، اعمال بغایت ارتجاعی و کثیف خود، یعنی غصب نا بحق افتخارات و نام و نشان‌سازمان و اعدام ضدانقلابی مجیدشریف واقفی شهید بکار گرفتند. مجید متعهدانه برای حفظ دستآوردهای سازمان و اصالت اسلامی و تعهد و تقوای انقلابیش، مرگ شرافتمندانه را به‌ننگ اسارت و بخاطر رهایی از تسلط و بندگی ترجیح داد. و تا آخرین‌قطره خونش‌را برای استواری ایمان و نجات سازمان از چنگال غاصبین منحرف اهدا کرد.

و چه کوته‌بین بودند نیروهای باصطلاح چپ و پرولتری که دلخوش‌از مارکسیست شدن منافقین، اثرات سوء و ضربات ناشی ازآن را متوجه جنبش اسلامی دانسته و بخیال خام خود، خارج از صحنه به کف‌زدن مشغول بودند. سیاست کلی منحرفین در مبارزه با نهضت اسلامی بدین‌ترتیب بود که از زبان خود اما بنام مجاهدین فریاد بزنند که"ما در تجربه انقلابی دریافتیم که این راه بجائی نمی‌رسدتا دیگران هم بفکر ادامه‌چنین راهی‌نباشند". انگیزهٔ کینه‌آمیز و خائنانه آنان دربیهوده‌نشان‌دادن کار دکتر شریعتی‌ها و حسنیه ارشادها خود مؤید این امر است. سکوت زیرکانه نیروهای باصطلاح پرولتری هم در این رابطه قابل تعمیق است. سکوتی که ناشی از ریشه‌های فرصت‌طلبی واپورتونیسم در بطن ایدئولوژیشان می‌باشد. در این زمینه از همه گویاتر مصاحبه یک "مبارز ایرانی" است با مجله الهدف ارگان جبهه خلق برای آزادی فلسطین. (۱) این باصطلاح"مبارز ایرانی" که وابستگی سازمانی‌اش در لابلای سطور مصاحبه کاملا" آشکار است دربارهٔ جریان‌های اصلی مبارزهٔ مسلحانه در ایران پس از ذکر خصوصیات جریان مارکسیستی می‌گوید" جریان دیگر اسلامی و غیر مارکسیست‌است. اکثریت‌آن ازنیروهای‌ناسیونالیستی هستند که‌بوسیله بورژوازی ملی تجاری (مغازه‌داران، تجارکلی‌فروش ضعیف و غیره) و همچنین خرده‌بورژوازی حمایت‌می‌شود. اما این جریان برخلاف‌جریان اول در توسعه‌اش یکی از این دو راه را در پیش پا دارد. یا موضع پرولتاریا را اختیار کند و یا خود را به دامان بورژوازی وابسته بیفکند... درآیندهٔ نزدیک ما شاهد پیوستن عناصر بیشتری از این جریان به جنبش نوین کمونیستی ایران خواهیم بود." (۲)

بقیه در صفحه ۷

# درود برامام خمینی رهبر انقلابی توده‌های مستضعف ما